

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

قانون دارگاههای فوق العاده برای جرائم «ضد انقلاب»

اعلان جنگ به کارگران، زحمتکشان، خلقها و تمام نیروهای انقلابی است

آن جان تازه ای دمنده و تازه به این هم  
اکتفا نکرده و مواد جدیدی هم به آن  
افزوده کند که این بار در کمال وقاحت  
کارگران مبارز کشور ما آماج حملات  
جدیدی قرار گرفته و حقوق اولیه  
آنان یعنی حق اعتصاب، تحت عنوان  
"ضد انقلاب" جرم شناخته شود خلاصه  
آنکه قانونی را سرهم بندی کرده اند که  
تتمه رژیم سابق می توانست تدوین کند  
بقیه در صفحه ۲

کردند که قانون به تصویب رسیده است!  
آن هم قانونی که بسیاری از قوانین ضد  
مردمی رژیم سابق را دوباره زنده کرده  
است. قانونی که تصویب آن برای مردم  
عادی در چنین شرایطی تکان دهنده  
است. زیرا مردم نمی توانند باور  
کنند که هنوز ۴ ماه از قیام خونینشان  
نگذشته قوانین ضد مردمی رژیم سابق را  
عیناً زبانه دان تاریخ بیرون کشیده به

در روز دوشنبه ۴ تیر ناگهان وبدون  
مقدمه متن قانونی در روزنامه ها منتشر شد  
که گفته شده در شورای انقلاب به تصویب  
رسیده است. اگر از هنگام قیام تاکنون  
رسم بر این بوده که متن لوایح قبلاً از  
تصویب در شورای انقلاب در روزنامه ها  
منتشر می شده مردم اظهار نظر کنند  
نظیر قانون مطبوعات، این بار بد و ن  
رعایت چنین سنتی، به یکباره اعلام

دشمنی با  
فدائیان خلق  
بیانگر ماهیت  
دولت است

دولتی که حامی سرمایه داران باشد، ناچار مخالف آگاهی و اتحاد کارگران  
وزحمتکشان است، دولتی که از ادامه مبارزات ضد امپریالیستی کارگران و زحمتکشان  
می ترسد ناچار به دشمنی با نیروهای انقلابی طرفدار طبقه کارگر و نیروهای  
ضد امپریالیست برمی خیزد.

حمله موزرانه رئیس دولت به سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، برای مابسه  
هیچ وجه دور از انتظار نبود. دشمنی با آرمان کارگران و زحمتکشان و نیروهای انقلابی  
هواداران آنها، دشمنی با همه نیروهای ضد سرمایه داری و ضد امپریالیست در ذات و  
در سرشت همه دولت های مداخله سرمایه داری است، خصوصاً دولتی که رشد آگاهی  
کارگران و زحمتکشان و نزدیکی سریع روز افزون نیروهای انقلابی را به آنان به چشم خود  
می بیند.

اگر در نخستین روزهای پس از قیام، هنوز بسیاری از کارگران و دهقانان ما  
ماهیت دولت رانمی شناختند، اینک که نزدیک به پنج ماه از قیام می گذرد، دیگر  
توده های آگاه و مبارز ایران بارها دشمنی دولت را با کارگران مبارز، رهبران  
اعتصابات شکوهمند صنایع نفت، تهمت و افترا و حتی شکنجه و بازداشت اعضای  
سازمانهای انقلابی را دیده اند و بارها شاهد دفاع دولت از سرمایه داری وابسته،  
زمینداران بزرگ، فرماندهان رژیم و کارشناسان نظامی امپریالیزم امریکا بوده اند  
دولت روز به روز پشتیبانی خلقهای ایران را از دست می دهد و سازمانهای انقلابی  
که قاطعانه خواستار ادامه مبارزه بر علیه سرمایه داری وابسته و امپریالیزم هستند روز به روز  
از حیثیت و اعتبار بیشتری برخوردار می شوند.

طبیعی است که در چنین شرایطی دولت به نیروهای انقلابی جنگ و دندان  
نشان دهد و دشمنی خود را نسبت به این نیروها بیش از پیش آشکار کند و خلاصه با  
تلیفات ناجوانمردانه علیه این نیروها به تلاش خود برای بدبین ساختن توده ها  
نسبت به نیروهای انقلابی بیفزاید.

اما مردم به ویژه در جریان مبارزات دوساله گذشته خود آبدیده و آگاه شده اند  
و امروز به آسانی ماهیت کسانی را که با نیروهای انقلابی و نیروهای هوادار طبقه  
بقیه در صفحه ۲

کارگران کارخانه بیسکویت کرجی:

چرا شورای مدیریت توجهی به شورای کارگران ندارد؟

ندارد. به کارگرانی که صحبت از خواستهای  
برحق خود، اضافه دستمزد، حق مسکن  
و کمک هزینه زندگی می کنند تهمت  
اخلاق و تحریک شده می زند. نکته قابل  
توجه اینکه مگر ما سهامداران کارخانه  
نیستیم. پس چرا شورای مدیریت توجهی  
به شورای کارگری ندارد و با هرگونه تها  
نظروهماهنگی با شورای کارگری مخالف  
است؟ ما کارگران انشاء کننده زیر هر  
گونه تصمیم گیری غلط و بکطرفه بدون  
مشورت با شورای کارگری را محکوم و گاهی  
مغرضانه در جهت خوابانیدن چرخهای  
کارخانه می دانیم.

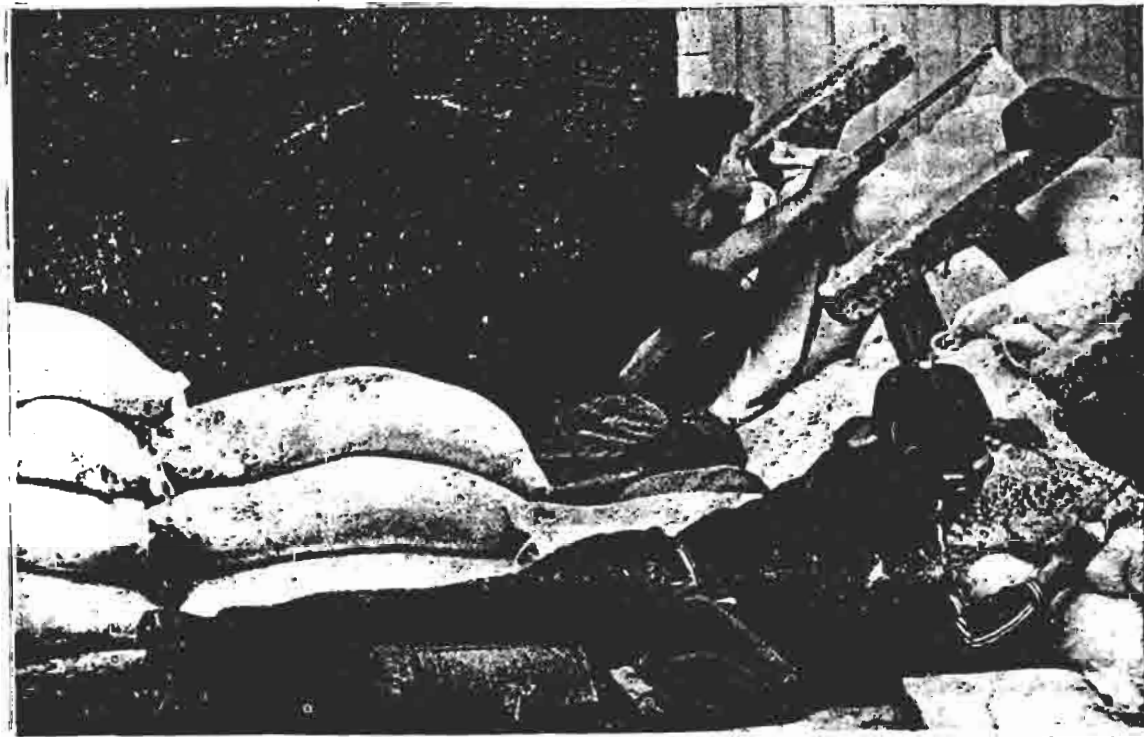
کارگران کارخانه بیسکویت سازی  
کرجی (که کارخانه دربار مبارزات آنها  
در شماره ۱۷ چاپ شد) طی نامه ای سه  
دفتر امام خمینی و روزنامه ها، به وضع  
آشفته کارخانه و اخلاص شورای مدیریت  
کارخانه اشاره کرده و می گویند شورا به  
خواستهای برحق کارگران جواب منفی  
می دهد. کارگران در این نامه که حدود  
۳۰۰ امضاء و اثر انگشت دارد، درباره  
شورای نوشته اند:

از جمله استخدام و اخراج  
کارگران را از اختیارات تام خود می دانند  
مهارت و تخصص افراد برایش معنائی

حکومت نظامی چماق بدست در نوشهر

حمله عده ای به یک کتابفروشی سیار  
صورت گرفت. در این جریان مهاجمان  
با چوب و چماق و زنجیر و چاقو به هرکسی  
که سابقه خوبی داشت، حمله می کردند  
بطوری که ۱۰ نفر را در این روز مضراب  
و مجروح کردند.  
هدف آشکار حمله کنندگان به قول  
خودشان "شکار" عناصر آزادیخواه  
بود. و تحریکات نفاق افکنانه رئیس  
کمیته شهر نیز نقش موثری در آن داشت.  
مهاجمین تار و پود یکشنبه در گروههای  
چند نفره شهر را زیر کنترل داشتند.

زمینداران و عناصر وابسته به رژیم  
سابق که در حال حاضر میدانی برای  
تحریک و آشوب پیدا کرده اند، اینبار  
نوشهر را صحنه تاخت و تاز قرار داده و با  
کمک عوامل چماق به دست نوعی حکومت  
نظامی در شهر به وجود آورده اند  
بطوری که چند روز افراد مبارز آزادی  
خواه نمی توانستند آزادانه در شهر  
حرکت کنند.  
ما چرا ظاهر ابعاد یک تظاهرات  
و با حمله به کتابفروشی ها و باره کردن  
کتابها شروع شد. که روز ششم ترمه با



تاریخ شتاب بیشتری به خود گرفته است، رژیمهای دست نشانده یکی پس از دیگری به گور سپرده می شوند و با وجود مبارزات آزادبخش  
سلطه امپریالیسم روز به روز به نابودی می رود. در این جادوتن از چریکهای ساندنیست رومی بیند که در یکی از سنگرهای خیابانی آخرین  
بقایای رژیم مزدور سوموزار در هم می گویند.

نهادهای  
شورائی  
تنه راه محدودیت  
اختیارات قوه مجریه

در شماره های قبل به مضمون قانون  
اساسی که باید از انقلاب ضد امپریالیستی  
و دموکراتیک مردم ایران نشأت بگیرد  
پرداختیم. همچنین درباره حقوق  
مردم ایران، به ویژه کارگران و زحمتکشان  
و آزادی ها و حقوق دموکراتیک و شیوه  
مالکیتها سخن گفتیم و اشکالات و کمبودها  
و نواقص "متن پیشنهادی" که در  
اردیبهشت ماه در کیهان منتشر شد و  
همچنین پیش نویس قانون اساسی را بر  
بقیه در صفحه ۱۱

اتحادیه و اتحادیه سازی

کارگران همخوانی داشته، موضوعی است  
که اولاً باید کارگران درباره آن قضاوت  
کنند و ثانیا میزان رشد کمی و کیفی آنها  
مبار خوبی برای درست یا غلط بودن  
نظریات آنها خواهد بود.  
آنچه که فعلاً درباره آن صحبت  
می شود مسئله "اتحادیه" است. منظور  
از "اتحادیه" اتحاد و یکی شدن چندین  
بقیه در صفحه ۱۱

می دانید که بخصوص در جریان  
مبارزه یکی دوسال اخیر، سازمانها  
و گروههای بسیار زیادی اعلام موجودیت  
کرده اند و هر یک از آنها نظریات و اعتقادات  
خودشان را در مورد مسائل روز کشورمان  
کم و بیش انتشار داده اند. حال تا چه  
اندازه این نظریات با واقعیت و با مسائل  
و مشکلات توده های مردم و بخصوص

سه کارگردر کوره آجرپزی سوختند

● کارفرما با دادن کمی پول می خواهد خود را از شر عواقب سودپرستی خود خلاص کند

است مجبور شدند داخل تونل کار کنند.  
در این کارگاه از قوانین کار در آن خبری  
نیست کارگران ۱۲ ساعت در شرایط  
طیقت فرسای کوره ها کار می کنند و چهل  
تومان مزد می گیرند. اخیراً نیز در اثر  
از پاد بیگاری کارگران از ترس بیگاری  
شدن به کاهش مزد خود نیز تن داده اند.  
صاحب کوره آجر پزی به نام حاج  
حسن منصوری که یک کارخانه تهیه گچ  
سفید و تعداد زیادی کمبری برای حمل و  
نقل گچ و آجر نیز دارد برای اینکه خود را  
از عواقب این حادثه که در اثر نبودن  
وسایل ایمنی و به کار گرفتن نابجای  
کارگران پیش آمده رها سازد، درصدد  
گرفتن رضایت از خانواده های ایمن  
کارگران است. او توانسته با پرداخت  
۲۵۰۰ تومان به همسرمه مدعی سلطان این  
خانواده را باهاش فرزند به حال خود رها  
کرده و درصدد گرفتن رضایت نامها اردو  
خانواده دیگر نیز هست.

سه کارگر کوره پزخانه، روز سه شنبه  
ببست و تنهم خرداد، به دلیل نبودن  
وسایل ایمنی و بی تجربگی در آتش  
سوختند.  
هنگامی که این سه کارگر کوره آجر-  
پزی کیتی در شمال اصفهان- در حوالی  
کوه بخوار- به نام های مهدی  
اقتداری پانزده ساله - بهرام محمد علی  
۱۴ ساله و مهدی سلطانی ۴۰ ساله در کوره  
مشغول جیدن آجر گرم روی نوار نقاله  
بودند. آجر هار بیش کرد و در اثر سربست  
شعله آتش به آنها هرسه کارگر در آتش  
سوختند.  
این کارگران بخصوص مهدی  
و بهرام برای کار در محوطه بیرون کوره  
استخدام شده بودند نه در داخل تونل  
آجر پزی و فاقد تجربه لازم برای کار در  
این قسمت بوده اند ولی تحت فشار  
سرپرست کوره به نام محمد غلامی که  
عامل استثمار کارگران و نماینده کارفرما

رفقا و هموطنان مبارز  
با کمکهای مالی خود به پیشبرد  
فعالیتهای انقلابی سازمان چریکهای  
فدائی خلق ایران یاری رسانید.  
کمکهایتان را می توانید به حساب  
جاری شماره ۳۲۰۹۸ بانک ملی شعبه  
دانشگاه واریز نموده و یا به کمیته مالی  
ستاد مرکزی تهران، تحویل دهید.  
امور مالی سازمان

پیش به سوی تشکیل حزب طبقه کارگر

### کارگران سخن میگویند:

## «ملی کردن بانکها»

در مورد ملی اعلام کردن بانکها و شرکتهاى بیمه تعداد زیادی از رفقای ما نظرات خود را بیان داشته اند که مادر اینجا نمونه هاى آن را ذکر مى کنیم . نکته بسیار مهم در این بحث ها آگاهی بسیار بالای این رفقای کارگراست که بسیار آموزنده مى باشد .

#### کارگر صنعت نفت :

اگر ملی کردن بانکهاهم مثل شرکت نفت باشد که فقط اسمش ملی است و خودش ملی نیست ، به درد کسی نمی خورد . ما کارگران به این تجربه رسیده ایم که شرکت ملی نفت ایران فقط اسمش ملی است ، اما منافعش به جیب دیگران می رود . ما ملی شدن واقعی بانکها را می خواهیم ، یعنی منافعش باید ملی شود . سود و استفاده اش باید مال مردم باشد . استفاده اش باید خرج مردم شود . برای ما محتوای ملی شدن مهم است . نه اسمش .

#### کارگر دیگر ..

در جوامع سرمایه داری ملی شدن معنی دولتی شدن دارد ، چون طبقه سرمایه دار ، طبقه حاکم است . شنیده می شود که سرمایه های خارجی بانکها باز خرید می شوند ، سهام داران داخلی هم حششان را می گیرند . آیدون ملی کردن سهام سرمایه داران خارجی ، یعنی مصادره اموال آنها ، ملی شدن مفهومی دارد ؟ نه چرا ؟ برای اینکه صنایع ما وابسته است ، اگر ملی کردن بانکها واقعی بود ، چرا بانکها را چهار ماه پیش نگردند ؟ به نظر من بانکها مشکلات اقتصادی دارند یعنی چه ؟ بانکها ورشکست شده اند و باید دارند می شوند .

دولت می خواهد سهام سرمایه داران را باز خرید کند ، خوب . پولش را از کجای می آورد ؟ این همه پول را از کجای می آورد ؟ از دسترنج ما کارگران و زحمتکشان یعنی پول از ما می گیرد می دهد به سرمایه داران خارجی که خودشان یک عمر ما را چپاول کرده اند . وحالا در حال ورشکستگی هستند ، تازه اسمش را هم می گذارند ملی شدن و منت هم سرمایه می گذارند . در جوامع سرمایه داری بانک کارش چاپیدن مردم است . اگر بانک می خواهد باقی بماند ، بهره باید بگیرد . این بهره را کی می دهد ؟ غیر از اینست که ما کارگران و زحمتکشان می دهیم ؟ اول ببینیم سرمایه این بانکها از کجابه دست می آید ؟ از پول مردم زحمتکش . از پول ما کارگران ، از پول دهقانان پس می بینیم که سرمایه بانکها را هم ماتولید کرده ایم . بخصوص در کشورهای وابسته مثل کشور ما بانکها مثل زنجیر قطوری هستند به گردن مردم که تمام منافع را در خدمت امپریالیسم قرار می دهد .

نکته مهم ملی کردن بانکها همانست که می باشد ، چرا این کار را بعد از چهار ماه کرده اند ؟ در این مدت دولت به سرمایه داران و بانکها اعتبار داده است ، آنها هم پولها را از ملک خارج کرده اند ، حالا بانکها خالی هستند ، درست در آستانه ورشکستگی آنها اعلام می شود که بانکها ملی می شوند .

سرمایه داران پولها را برده اند و حالا باید زحمتکشان ضررش را بدهند ، از بانکها فقط میز و صندلیش با یک سری کارمند جزو آنها هم مثل ما هستند باقی مانده است که ملی می شود .

سرمایه داران پولها را برده اند و حالا فشارش به مردم است . باید برویم و دفتر و دستک این بانکها را کنترل کنیم تا ببینیم مثلا فلان سرمایه دار ، زمیندار ، چقدر پول خارج کرده اند .

مانعی توانیم بانک ملی شده داشته باشیم که خصوصی هم باشد . اینست که بانکهای خصوصی هم وابسته هستند . به نظر من اینکار یک حيله اقتصادى سياسى است ، می خواهند مردم را فریب دهند . می خواهند سرشان را گرم نگذارند . در این چهار ماه و قبل از آن بانکها از هزارها خارج کرده اند . باتجانی هائی که در این مدت شده به ما خیانت شده است . مسئله ، فقط ورشکستگی بانکها نیست ، چرخ اقتصاد مملکت نمی چرخد .

این بانکها سرمایه مثلا ۲۰ میلیون تومان کارشان را شروع کرده اند و حالا چند برابر شده است . این پولها از کجابه آمده اند ؟ مال من و شما و امثال ما است . خون ما را میکشید . پس دولت نباید به آنها بگوید که من پول شما را می دم و شما می توانید دوباره به کار سابقتان ادامه دهید . آنوقت اسمش را هم می گذاریم ملی کردن بانکها . اینها همه اش حيله است .

\*\*\*

برای درک مسئله ملی شدن بانکها باید از ماهیت دولت شروع کنیم ، در جوامع سرمایه داری ، دولت نماینده طبقه سرمایه دار است و سرمایه داری جهانی

### دشمنی با فدائیان ..

کارگر دشمنی می کنند ، تشخیص می دهند .

مردم به خوبی می دانند دولتی که مدافع کارگران و دهقانان و مدافع حقوق خلقهای ایران باشد هرگز از نیروی توده ها و از نیروی سازمانهای انقلابی مدافع توده ها نمی هراند ، بلکه برای ادامه مبارزه بر علیه امپریالیسم و سرمایه داری وابسته به آنها تکیه می کند ، اما دولتی که در خلاف جهت منافع کارگران و زحمتکشان قدم برمی دارد ، از قدرت توده ها می هراسد و هر روز جبهه تازه ای بر علیه نیروهای انقلابی باز می کند ، بنابراین هیچ جای تعجب نیست اگر امروز سازمان چریکهای فدائیی خلق ایران از جانب رئیس دولت در معرض اتهامات ناجوانمردانه قرار می گیرد ، رهبران اعتصابات نفت به زندان می افتند ، و حتی به گواه زندانیان سیاسی شکنجه گاهها نیز دوباره به کار افتاده و شکار چیان و شکنجه گران که مسلمانان و حمایت دولت نمی توانند به روشهای تکان دهنده خود ادامه دهند ، اعمال ضد انقلابی خود را روز به روز افزایش می دهند .

آیا خلقهای قهرمانی که سالها در از زیر ستم امپریالیستها ، به ویژه امپریالیسم امریکا و سرمایه داری وابسته به آن بوده اند ، آیا مردم قهرمانی که یکی از بزرگترین دیکتاتورهای تاریخ را سرنگون ساخته اند ، با تهدید و ارباب و عوام فریبی دولت میدان را ترک خواهند کرد ؟ شک نیست که خلقهای قهرمان ما و نیروهای انقلابی ، مبارزات خود را تا شکست کامل امپریالیسم و سرمایه داری وابسته ادامه خواهند داد .

ما زهیم کارگران و زحمتکشان آگاه ، از همه آنان که با ستم امپریالیسم و سرمایه داری راحس می کنند ، می خواهیم تا با افشاکری همه جانبه ماهیت تبلیغات زهر آگین دولت و ماهیت همه کسانی که با سازمانهای انقلابی به دشمنی برخاسته اند ، پیروزی خلقهای ایران را تسریع نمایند .

برای اینکه کارش را بهتر و راحتتر انجام دهد ، می آید یک سیستم عریض و طویل به وجود می آورد ، این سیستم بانک است . بدینوسیله استثمار بهتر و بیشتر است بانکها خودشان هم سرمایه گذاری می کنند . این سرمایه از کجابه دست می آید ؟ از پس انداز ناچیز مردم . بانک به مردم بهره کم می دهد اما وقتی وام و اعتبار می خواهند بهره چند برابر می شود . بانک شیره مردم را می کشد ، خون آنها را مثل زالومی مکد .

در جوامع تحت سلطه ، مانند کشور ما ، سرمایه های مالی و صنعتی و کثا و رزی تماما وابسته هستند . سرمایه گذاری ها در رابطه با سرمایه های جهانی است ، در این صورت است که می توانند رشد کنند . در جوامع وابسته بانکها شعبه های بانکهای بزرگ جهانی هستند . پس آنها هم وابسته هستند .

برای درک مفهوم ملی کردن بانکها باید اول به صنایع نگاه کنیم . این صنایع مونتاژ همه شان وابسته هستند . سرمایه این صنایع و بانکها در حقیقت مال مردم زحمتکش است . اگر صنایع را ملی نکنیم ، نباید از ملی کردن بانکها صحبت شود .

فقط دولت طبقه کارگر است که می تواند همه چیز را به معنای واقعی ملی کند . کشور را نجات دهد ، صنایع را ملی کند ، کشاورزی را ملی کند ، بانکها را ملی کند . اینکارها فقط و فقط از دولت کارگران بر می آید . چون یک دولت انقلابی است .

در اینجا یک دولت سرمایه داری داریم ، در اینجا دولت مرتبا از مردم دوری می شود . اما در جامعه سوسیالیستی دولت مرتبا به مردم نزدیک می شود ، حالا دولت با این ملی کردنش ، فقط مدیریت بانکها را به عهده گرفته است . این کار برای نجات سرمایه داران وابسته است . آنها ورشکست شده اند . دولت می خواهد آنها را ورشکستگی نجات دهد . به خرج کی ؟ به خرج ما مردم زحمتکش . پس این کارها همه اش حيله است .

## قانون دادگاههای فوق العاده ...

بقیه از صفحه ۱

آن را رالو می کنند . مگر ظرف همین چند ماه نبوده است که هر وقت خلقها تقاضای خود مختاری در چهارچوب ایران را مطرح کردند ، فوراً برجسب تجزیه طلبی به آنها زده شده است . پس مردم می پرسند گنجاندن این چنین ماده کشداری در قانون به چه مفهوم است . به نظر ما دقیقاً قصد تنظیم کنندگان این قانون این است که با بالابردن این شمشیر ، خواسته های برحق خلقهای تحت ستم ملی و فرهنگی را در گلو خفه کنند و اگر در خواسته های اصرار کردند به جرم تجزیه طلبی محاکمه شده و به مجازاتهای سه ، پانزده ، ابد و اعدام محکومان کنند .

عـ بالآخره شاهکار تنظیم کنندگان قانون جرائم ضد انقلاب در ماده زیر برجسته شده و در همین حال ماده نه ظهوری است .

ماده ۹ - اعمال اشخاصی که به نحوی از انحاء در امور کارگما و کارخانجات کشور اخلاصاً و کارگرا را تحریک و تحریص به تعطیل کار کارگما و کارخانجات نمایند ، ضربه زدن به مصالح کشور و از جرائم ضد انقلابی است و مرتکب برجسب درجات جرم بر حسب تشخیص دادگاه به کیفر جنائی درجه دو از دو سال تا ۱۰ سال محکوم می شود .

ماهیت ضدگرگری این ماده از قانون ، آنچنان روشن و صریح است که احتیاجی به توضیح ندارد . اگر کارگران به خاطر اضافه دستمزدها و حقوق اقتصادی و در موردی خواسته های سیاسی خود راه کار فرمایان و دولت حامی آنهاست محکوم کند . پس قرارداد من مجازات ۱۰ سال زندان برای متوسل شدن به حربه اعتصاب از طرف کارگران ، توطئه آشکاری است که برای سرکوبی مبارزات کارگران و زحمتکشان از جانب دولت طرح ریزی شده است . این همان سیاست طبقاتی سرمایه داران بزرگ قبل از قیام است که امروز هم با همان ماهیت ادامه می یابد .

قانون جرائم ضد انقلاب دارای آن چنان محتوای ضد مردمی است که ذکر تمام موارد آن در این مقاله نمی گنجد . مثلاً بجز مواد مورد اشاره فوق ، موادی درباره ارتش و ارتشیان دارد که تماماً ضد مردمی است . همچنین طرز رسیدگی به اتهام و نحوه تشکیل دادگاه و انتخاب وکیل مدافع و غیره بسیاری از حقوق دموکراتیک منتهی را نقض می کند . بنابراین برخورد همه این موارد را مادر بررسی دیگری دنبال خواهیم کرد و این کلام بررسی این شماره را پایان می دهیم که :

براستی کمتر قانون ضد مردمی سراغ داریم که اینهمه مواد ضد خلقی را در یک قانون ۱۶ ماده ای یکجا جمع کرده باشد .

جوخه های اعدام سپرده شده اند ، نقل کرده اند موضوع امنیت داخلی و خارجی وسیله بسیار مناسبی است که استفاده کنندگان و ارتجاعیون آنرا مستمسک قرارداداده و مبارزین و انقلابیون میهن ما را تحت تعقیب ، توقیف قرارداداده و به مجازات برسانند . مگر همین روزها ما شاهد آن نیستیم که مبارزین و انقلابیون راتحت عنوان توطئه جاسوسی و اتهامات نظیر آن توقیف و شکنجه می کنند و زمینه محاکمه و مجازات آنان را فراهم می سازند ؟

۴- در قانون جرائم ضد انقلاب جرائم زیر را هم مشمول رسیدگی در دادگاههای فوق العاده قرارداداده است . د - جرائم کسانی که مبادرت به وارد پا خارج کردن اسلحه و مهمات جنگی و مواد منفجره و محترقه و تفنگ و تفنگ شکاری بدون اجازه دولتی می نماید .

بازمی بینیم همان قوانینی که هزاران جوان دلاور مارا که برای نابودی رژیم سابق اسلحه در دست می جنگیدند و به مجازات رساندند (و هنوز هم برای سرکوبی عوامل رژیم سابق و قطع کامل نفوذ امپریالیسم اسلحه را حفظ می کنند) دوباره مطرح شده است . اکنون هم که تسلیح مردم ، در اثر انقلاب انجام گرفته و برای ادامه انقلاب و حفظ دستاوردهای آن مردم می خواهند که اسلحه در دست مبارزین و انقلابیون باقی باشد ، می خواهند باحقاق قانون رژیم سابق ، مردم رزنده مارا خلع سلاح کرده و علاوه بر آن به مجازات برسانند .

این قانون بدون در نظر گرفتن شرایط انقلابی میهن ما و اینکه ضد انقلاب هر روز توطئه می کند و با هر روز اسلحه جدیدی مینی بر توطئه عوامل رژیم سابق و امپریالیسم می شونیم یا در مطبوعات منعکس می شود ، داشتن سلاح را قابل مجازات می داند و قانون سیاه رژیم پهلوی راه رخ مردم مبارز ما می کشد . آیا این عمل جز خلع سلاح مردم در مقابل ضد انقلاب که خطر آن در داخل و خارج وجود دارد نیست ؟ آیا این چیزی جز سنگ رابستن و سنگ راپاز گذاشتن نیست ؟

ماده ۵ این قانون می گوید : هرکس برای جدا کردن قسمتی از قلمرو حاکمیت ایران یا طعمه وارد آوردن به تعامیت با استقلال کشور قیام و اقدام نماید ، برجسب درجات جرم به کیفر جنائی درجه یک از سه تا پانزده سال یا حبس ابد و با اعدام محکوم می شود .

که به روی خلقهای ایران کشیده شده است . ظاهر امر این است که روی سخن این ماده با کسانی است که قصد تجزیه طلبی داشته باشند . و ما به خوبی می دانیم که خلقهای ایران می خواهند حق تعیین سرنوشت خود را بدست آورده و در چهارچوب ایرانی آزاد و دموکراتیک خود مختار باشند . بنابراین بحث تجزیه طلبی در میان نیست . اما این یک طرف قضیه است . طرف دیگر ادعای مسئولین دولت و عناصر ارتجاعی است که برخواست خلقها پرده ساتری افکنند و درخواستهای

و خلاصی بینیم که دولتی که پیراز قیام شکوهند مردم روی کار آمده آن را برای سرکوبی خلق ساخته و پرداخته است . ما برای نشان دادن ماهیت ضد مردمی و ضد انقلابی این قانون به شرح آن می پردازیم :

۱- ماده ۴ این قانون مواردی را که مشمول این قانون می شود به شرح زیر طبقه بندی کرده است .

الف - کلیه جرائم پیش بینی شده در مبحث اول و دوم باب دوم و فصل دوازدهم از باب سوم قانون مجازات عمومی تا ماده ۲۶ همان قانون .

ببینیم این مواردی که به آن استناد شده کدامند ؟ مراجعه به قانون مجازات عمومی نشان می دهد که تمام این قوانین ضد مردمی هستند که رضا شاه و پسرش محمد رضا شاه علیه مردم تدوین کرده اند و حال به دست دولتی دوباره احیاء شده که پس از قیام مردم و سرنگون شدن خاندان ننگین پهلوی روی کار آمده است ۲- یکی از قوانین استنادی در ماده ۴ ذکر شده در فوق ، قانون مجازات مقدمین بر علیه امنیت و استقلال مملکتی مصوب ۱۳۱۰ می باشد که در ذیل مبحث اول از باب دوم ، آمده است . این قانون به جای ماده ۶ قانون مجازات گذاشته شده است . ماده یک این قانون چنین می گوید :

مرتکبین هر یک از جرمهای ذیل به حبس مجرد از سه تا ده سال محکوم خواهد شد :

هرکس در ایران به هر اسم و عنوان ، دسته یا جمعیت یا شبه جمعیتی تشکیل دهد و یا اداره نماید که مرام پاروپی آن ضدیت با سلطنت مشروطه و پاروپی یا مرام آن اشتراکی است و یا عضو دسته یا جمعیت یا شبه جمعیتی شود که با یکی از این مرام پاروپی های مزبور در ایران تشکیل شود .

اگر این قانون بخواهد همین امروز اجرا شود باید تمام مردم ایران مجازات شوند و فقط ساواکی ها و طرفداران سلطنت از مجازات معاف خواهند بود .

ممکن است گفته شود که مفاد این ماده خود گویای این واقعیت است که چنین ماده اییونظایر آن نمی تواند در هیچ قانونی گنجانیده شود . ما هم همین را می گوئیم ولی سؤال انگیزاست که چرا پس از چند روزی که از انتشار این قانون می گذرد و اظهار نظرها زیاد نیست به این قانون و بخصوص به این ماده شده است ، هنوز سخنگویان دولت هیچگونه توضیحی درباره این مسئله نداده اند و نفی نکرده است .

۳- مواد دیگری که از قوانین دوره ننگین پهلوی قرض گرفته شده قوانین مربوط به امنیت داخلی و خارجی است تنظیم کنندگان این قانون ضد مردمی حتی زحمت این را به خود نداده اند که در این زمینه قوانین جدید با معیارهای کنونی تدوین کنند . از این جهت آسانترین کار را انتخاب کرده و عیناً قوانین ارتجاعی سابق را که در گذشته هزاران تن از مبارزترین فرزندان میهن ما طبق همین قوانین محاکمه و به

## همه صنایع و شرکتهاى وابسته باید ملی شوند

## گزارش مقدماتی از درگیری میان دهقانان و فتووالها در پیرانشهر

به دنبال مسلح شدن فتووالها و مرتجعین منطقه پیرانشهر توسط ملاحسنی، و حمایت مستقیم و غیرمستقیم ارتش و قیادهای آنان، برخورد مسلحانه‌ای که از مدت‌ها پیش انتظارش می‌رفت در قریه «تازه قلعه» رخ می‌دهد.

فتووالها که برای بازگرداندن روابط اجتماعی فتووالی شروع به مسلح شدن کرده بودند، پس از فارغ شدن از این کار به روستائیان اطوار می‌کنند که بایستی بهره مالکانه آن‌ها را تمام و کمال پرداخت نمایند. آنچه که به فتووالها پشت‌گرمی می‌بخشد، حمایت ضمنی ارتش، «قیاده‌های» و شیخ مرتجع آن منطقه گزگسک از یک سو و سکوت تأییدآمیز دولت در برابر زمینه‌چینی‌ها و اعمال ضدانسانی آن‌ها از سوی دیگر بود.

به دنبال اختطاری که فتووالها پس از مسلح شدن و تشکشان در «اتحادیه عشایری قندیل» جهت هجوم، به روستائیان می‌دهند زحمتکشان روستاهای منطقه خود را آماده مقابله و مقاومت تا پای جان در برابر آنان می‌کنند. و طی درگیری که از ساعت ۲/۵ باامداد روز یکشنبه ۵۸/۴/۳ تا حوالی ظهر روز دوشنبه ۵۸/۴/۴ در روستای «تازه قلعه» رخ می‌دهد، روستائیان مبارز موفق می‌شوند ۶ تن از

فتووالها را کشته، ۲۰ تن را خلع سلاح کرده و بقیه را نیز فراری دهند. اسامی اربابان کشته شده عبارتند از: مصطفی منگوری، طاهر درویش خانی ارباب سخنان، ارباب شالی‌آباد و شاکرآباد، ابراهیم حمزه‌آقا و علی احمد گل‌آقا و... همچنین تعدادی از فتووالها زخمی شده‌اند که از تعداد دقیقشان اطلاعی نداریم. فتووال‌های فراری هم‌اکنون به کوه‌ها و جنگل‌های اطراف متواری شده و احتمالاً درصدد تشکیل مجدد و هجوم دوباره هستند.

اکنون روستائیان مبارز این منطقه و همچنین مناطق روستائی دور و نزدیک پیرانشهر همگی صفوف خود را برای مقابله احتمالی با هجوم اربابان، هرچه بیشتر فشرده می‌کنند. روستائیان تصمیم گرفته‌اند که بطور دسته‌جمعی به سرزمین‌های خود بروند تا در صورت هجوم غافلگیرانه فتووالها، قدرت‌مقابله با آنان را داشته باشند.

شایع است که خانه شیخ گزگسک با نارنجک مورد حمله قرار گرفته و دو تن از افراد خانواده‌اش کشته شده‌اند. همچنین گفته می‌شود که شیخ مرتجع به وسیله یک هلیکوپتر ارتشی به پادگان پیرانشهر، و از آنجا به ارومیه برده شده است.

## گسترش همکاری میان ارتش و قیاده موقت

سرلشکر زهیرنژاد فرمانده لشکر پادگان ارومیه سرگرد بهادری را نزد اسماعیل آقا اشنویه‌ای می‌فرستد تا این شخص ترتیب ملاقات سرگرد بهادری را با ملازم محمد فرمانده قیاده‌ای مستقر در منطقه پیرانشهر بدهد که منظور از این ملاقات هم تصمیم‌گیری درباره همکاری ارتش با قیاده‌های و گسترش هرچه بیشترین همکاری‌ها می‌باشد.

ملازم محمد، مسعود بازرانی را در جریان این ملاقات قرار داده و با گرفتن دستورات لازم قرار

می‌شود که پیش‌زهیرنژاد برود ولی توافق نهائی را تا رسیدن مسعود عقب بیانندارد. از جمله مواردی که مسعود به ملازم محمد تاکید کرده یکی توجه به این نکته است که سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران سرسخت‌ترین دشمنان قیاده موقت در منطقه می‌باشد.

در جریان این تماس‌ها، قرار شده که ارتش پیرانشهر، وسایلی از قبیل پتو، رخنخواب و تشک در اختیار قیاده‌های با بگذارد.

## حمله افراد پادگان ابوزر با تانک و نفربر به روستای کاکسی کفرآور

صبح روز دوشنبه ۵۸/۳/۲۱ ارتش پادگان ابوزر و پاسداران به وسیله تانک و نفربر به دهکده کاکسی کفرآور تابع اسلام‌آباد (شاه‌آباد غرب سابق) حمله برده و آن‌را به‌رگبار مسلسل بستند. مهاجمین بدون هیچ گونه دلیل و مدرک موجهی به داخل خانه‌ها یورش برده و پول و امانت‌های ساکنین و حشمت‌زده خانه‌ها را برداشته و با زور و کتک و

شکجه تعداد ۲۸ نفر را سوار نفربر نموده، با خود بردند. در این جریان سلاح‌های تعدادی از اهالی که برای حفظ جان و مال خود با رنج و مشقت فراوان خریده بودند و همچنین مبلغ چهار هزار تومان پول از دو خانه به‌سرقت برده شد. و این ارتش، همان ارتش «ملی اسلامی» است که گویا ارتشی سوازی ارتش «شاهنشاهی» است.

## فتووال‌های منطقه پیرانشهر را به چه طریق و برای چه منظوری مسلح می‌کنند؟

سید طه کمالی‌زاده (شیخ گزگسک) روز سه‌شنبه ۲۹ خرداد به ارومیه رفته، با ملاحسنی مذاکره می‌کند. نتیجه این سفر تحویل ۱۲۰۰ قبضه تفنگ برنو به شیخ گزگسک توسط ملاحسنی می‌باشد که قرار است میان فتووال‌های منطقه تقسیم شوند. ۲۲۰ قبضه از این تفنگ‌ها به فتووال‌های منگور، ۲۲۰ قبضه به فتووال‌های سنکاک، ۲۲۰ قبضه به فتووال‌های آید، ۲۲۰ قبضه به فتووال‌های زرزا، و بالاخره ۲۲۰ قبضه به خود شیخ گزگسک اختصاص داده شده است. در همین روز از اشنویه خبر رسید که ساعت ۸/۵ شب تعداد ۸۰ قبضه از این سلاح‌ها با یک وانت آبی رنگ به منزل یکی از فتووال‌های زرزا حمل شده است.

ما در اعلامیه مورخه ۵۸/۳/۱۳ خود تحت عنوان «هشدار به خلق‌های ایران پیرامون وضعیت بحرانی پیرانشهر» ماهیت شیخ گزگسک، نقش وی در ایجاد بحران در منطقه، و اتحاد نامیون بین

فرماندهان ارتش و زاندارمری، فتووال‌ها، قیاده موقت و عوامل مرتجع دیگر منطقه را در مقابل خلق زحمتکش، روشن کرده‌ایم. خبر بالا آشکار می‌کند که هیأت حاکمه همان سیاست تأیید و تقویت ارتجاع را در منطقه ادامه می‌دهد.

تقسیم اسلحه میان فتووال‌ها روشن می‌کند که هیأت حاکمه می‌خواهد بشیوه رژیم پیشین موقعیت خود را با تکیه به عناصر ضد خلقی تحکیم بخشد. بار دیگر به هیأت حاکمه هشدار می‌دهیم که توسل به چنین روش‌هایی نه تنها مستقیماً حقوق زحمتکشان را قربانی مطامع پست مالکانه و مرتجعین ساخته و زنجیر اسارت به‌پای آنان می‌بندد، همچنین باعث تشدید بحران در منطقه شده و احتمال بروز حوادث ناگوار را بیشتر خواهد کرد. حوادثی، که در نهایت به‌زیان خلق‌های ما و بنفع دشمنان خلق و در رأس آن‌ها امپریالیسم تمام خواهد شد.

## عقب‌نشینی فتووال‌های آمد، در مقابل یکپارچگی دهقانان

از طرف شورای انقلاب شهرستان مهاباد هیئتی برای گفتگو با فتووال‌های کمیته آید دیروز راهی منطقه آید شده است. تعدادی از فتووال‌های مرتجع منطقه آید که از چندین پیش با تشکیل «اتحادیه فتووالی آید» درصدد جیابول مجدد دهقانان برآمده و حتی چندین بار جاده

مابین سردشت به مهاباد را در محل قهوه‌خانه آید قرق کرده بودند، اکنون در مقابل صف متحد و یکپارچه روستائیان مبارز آماده مقاومت، مواضع قبلی خود را ترک کرده و به مناطق کوهستانی عقب‌نشینی کرده‌اند.

## فتووال‌های ما می‌خواهند اسلحه‌های پادگان سردشت را غارت کنند

روز ۲۰ خرداد فتووال‌های شورای عشایری جلسه‌ای در محل این شورا تشکیل داده و بخاطر ندادن اختیارات از طرف شورای شهر به آن‌ها و اعتراض به نحوه پخش اسلحه تصمیم می‌گیرند که برای غارت سلاح‌ها به پادگان شهر حمله کنند. شورای شهر با اطلاع از این

تصمیم فتووال‌های اتحادیه عشایری، که اکثر آن‌ها قبل از قیام با مقامات ساواک در ارتباط بوده‌اند، با مانور نظامی و حرکت دادن نفربرها و زره‌پوش‌ها آمادگی خود را برای مقابله با اقدام احتمالی شورای عشایری نشان داد. تاکنون فتووال‌ها جرأت نکرده‌اند اقدام خود را عملی کنند.

## آخرین خبر از پیرانشهر

به دنبال اعزام تانک و پاسدار و هلیکوپتر به منطقه منگور از طرف ارتش، تمام مغازه‌های شهر بعنوان اعتراض، تعطیل و اهالی دست به یک راهپیمایی بزرگ بر علیه این عمل ننگین ارتش که به پشتیبانی از فتووال‌ها برخاسته، زند. بلافاصله تعدادی از افراد کمیته انقلاب اسلامی که در رابطه با شیخ گزگسک می‌باشند در جلو مردم با نشانه رفتن به طرف سینه آنان جلو راهپیمایی را گرفته ولی مردم با شجاعت و دل‌آوری با باز کردن سینه‌های خود

براهپیمایی ادامه دادند. مردم با خشم بسیار به کمیته حمله ور شدند که تا ساعت ۲/۵ در مقابل کمیته تیراندازی بسیار شدیدی ادامه داشت و از طرف پاسداران کمیته اسلامی شهر، بسوی مردم تیراندازی می‌شود. در اثر این تیراندازی یک نفر شهید و یک نفر دیگر زخمی می‌گردد. به دنبال این فاجعه، اهالی پیرانشهر در اداره مخابرات این شهر متحصن شده و خواستار مجازات مسببین این واقعه اسفبار می‌باشند.

## ممنوعیت حمل سلاح به استثنای افراد قیاده موقت

پیرانشهر از روز شنبه ۲۷ خرداد افراد پادگان پیرانشهر جاده را تحت کنترل خود درآورده کسانی را که اسلحه حمل کنند دستگیر می‌نمایند. اما دارو دسته قیاده موقت که مسلح به انواع سلاح‌های سبک و نیمه سنگین هستند، از این امر مستثنی هستند و با خیال راحت پیرانشهر و دهات اطراف آن را جولانگاه خود ساخته‌اند. این دارو دسته مزدور در

زمان رژیم شاه خائن تا این حد آزادی عمل نداشتند که اکنون دارند. این نوع مقررات ممنوعیت حمل سلاح هم‌نه تنها قادر به رفع تشنج و حوادث احتمالی نیست، بلکه عملاً اوضاع حساس پیرانشهر را منتهن تر خواهد کرد.

در ضمن از پیرانشهر خبر می‌رسد که ۵۰۰ تن از افراد گارد جاویدان به پادگان پیرانشهر و یک گردان زرهی نیز به پادگان سپه فرستاده خواهند شد.

## اتحاد دهقانان، تشکل فتووال‌ها را درهم ریخت

پیرانشهر منطقه سوسنان در قریه قلعه جوق» بین روستائیان زحمتکش «اتحاد جوتیاران نعلین» و فتووال‌های این منطقه برخوردی پیش می‌آید که از چند و چون آن اطلاعی در دست نیست.

گویا در این برخورد روستائیان موفق می‌شوند با تکیه بر اتحاد و یکپارچگی خود، اربابان را وادار به فرار کرده و تشکل نامقدس آنان را از هم بپاشند. روستائیان زحمتکش تصمیم گرفته‌اند تا سرکوبی کامل اربابان این منطقه دست از مبارزه برندارند.

## ارتش برای دفاع از فتووال‌ها وارد میدان شد

طبق آخرین خبر رسیده، ارتش در پیرانشهر وارد میدان شده است. دو کامیون پاسدار، دو کامیون از فتووال‌های شکاک، یک ماشین افراد شیخ گزگسک، دو تانک جیپتین بسوی روستای «تازه قلعه» یعنی محل درگیری دیروز روستائیان با فتووال‌ها در حرکتند. این همان ارتش ضد خلقی دوران رژیم سابق است که اکنون لباس بی‌قواره به اصطلاح «ملی و اسلامی» را بر تنش پوشانیده‌اند و درباره خواهیم دید که چگونه چهره جنایتکار خود را با کشتار روستائیان ستمکشیده و محروم و دفاع از عناصر مرتجع و ضد خلقی آشکار خواهد ساخت.

## تهدید مردم سقز توسط افراد محمد صدیق خان جاف

در ساعت ۲ بعد از ظهر روز یکشنبه ۵۸/۴/۳ یکی از اهالی سقز که از مریوان به سقز برمی‌گشته است در بین بسطام و سوته به ۲۰ تا ۳۰ نفر از افراد محمد صدیق جاف برخورد می‌کند. جوهر پسر محمد صدیق جاف که سرکردگی این عده را برعهده داشته، بوسیله وی بیغامی فرستاده و تهدید می‌کند که: به اهالی سقز خصوصاً کمیته انتظامات بگو که اعلامیه دادن و وراجی پس است. اگر جرأت دارند قدم به نزدیکی بسطام بگذارند تا شکتشان را بر از گلوله بکنم.

یکی دیگر از افراد محمد صدیق نیز می‌گوید: اگر اهالی سقز دست برندارند تمام شهر را به آتش می‌کشیم. کمیته انتظامات سقز بعد از شنیدن این ماجرا، به مأمورین خود آماده باش می‌دهد.

# زحمتکشان به بانکها و مؤسسات دولتی و خصوصی باید لغوشود



# کوره‌های آجرپزی اطراف مهاباد، شوراها واقعی خود را تشکیل دادند

ما کارگران کوره‌های آجرپزی رحیم‌آباد اول - رحیم‌آباد دوم (حسن‌آباد) و جمع‌آباد که حالا به کارخانه سرکا معروف می‌باشد چندین سال است که در این کوره‌ها قبل از طلوع آفتاب تا شب زحمت می‌کشیم وزن و بجه‌های ما هم بابای ما در میان گل و لای و سرایط سخت کوره‌ها با دست‌های خونین برای برسدن کیسه بزرگ کارفرماها عرق می‌ریزند. ولی به جای این که رفته رفته ما زندگی بهتری بدست بیاریم روز بروز وضع زندگی ما بدتر می‌شود در حالی که روز بروز بروت کارفرما افزوده می‌گردد بی آن که زحمتی بکشد. آیا چه فرمی بین بجه‌های ما و بجه‌های او هست چرا باید بجه‌های ما در میان گل‌ولای رنگ و رو و نیروی بدنی خود را از دست بدهند از درس خواندن محروم بمانند و هر روز دچار امراض گوناگون گردند. این قانون را کی گذاشته است؟ سال‌ها بود بعلت ترس ارزان‌دارم و عوامل سازمان امنیت مانند خدایرس جلا که شش‌پایان سرمایه‌دارها بودند نمی‌توانستیم صدای حق خود را بلند کنیم و حقوق از دست رفته خود را بدست آوریم کوحکترین اعتراضی می‌کردیم سازمان امنیت ما را می‌گرفت و اذیتمان می‌کرد و از کار اخراجمان می‌کردند.

بعد از مبارزات خونین و فهرمانانه امیدوار شدیم که زندگی ما بهتر خواهد شد ولی هیچ تغییری در زندگی ما بوجود نیامد. وضع بهداشتی ما خیلی بد است حتی نوات هم نداریم. دفترچه بیمه فقط اسمش است مزی که می‌گرفتم کفایت‌ناک بخورونیم ما را نمی‌کرد. چندین بار به صورت فردی بیس کارفرما رفتم و تقاضای اضافه شدن دستمزد کردیم حتی حاضر نبود ۲ قران به مزد ما اضافه کند مثلاً می‌گفتیم حداقل ۲ تومان به مزد فاندراها اضافه کند ولی با این که حداقل هزاری ۱۵۰ تومان برایش می‌ماند حاضر نبود جزئی هم اضافه کند. بنابراین تصمیم گرفتیم که دیگر فردی بیس کارفرما نرویم و خواست‌های خود را بوسیله اعتصاب با کارفرما در میان بگذاریم.

روز سه‌شنبه ۵۸/۳/۲۹ همه یکپارچه دست از کار کشیدیم و به کمیته کارگری شورای انقلاب مهاباد رفتیم و خواست‌های خود را با رئیس کمیته در میان گذاشتیم و کمیته به ما گفت که مزد قابل‌درا هزاری ۶۰ تومان است. ما هم به این ۶۰ تومان راضی شده بودیم می‌خواستیم هرچه زودتر تکلیف ما روشن شود ولی رئیس شورای انقلاب اسلامی مهاباد گفت باید در این باره با رحیم خرازی و دیگر کارفرمایان سریک منورت کنیم در خاتمه گفت که باید برای کار مصلحت‌آمیزی!!! با رحیم خرازی به روستای رحیم‌خان میان‌دوآب بروم! بعد از این حرف ما مطمئن شدیم که تنها چیزی که می‌تواند ما را به حق خود برساند تنها اتحاد و همبستگی ما می‌باشد.

بنابراین همگی با هم یکپارچه و متحد جلو دفتر رحیم خرازی جمع شدیم و خواست‌های خود را با او مطرح کردیم در اثر بافشاری ما او نتوانست با مهمانان خود برود بعد چون مطمئن شد تا ما به خواست‌های خود نرسیم به سرکار نخواهیم رفت و بعد از بحث و گفتگوی بسیار مجبور شد به بعضی از خواست‌های ما رسیدگی کند نتیجه این شد: مزد

دانش‌آموزان روستائی حومه بوکان. در جلسه‌ای که در تاریخ ۵۸/۳/۱۱ در کتابخانه عمومی شهر بوکان تشکیل دادند. به بحث و گفتگو نشستند و در پایان به اتفاق آرا قطعنامه‌ای تصویب رسید.

دانش‌آموزان روستائی در این قطعنامه، به وضع وسکلات زندگی خود، به هزینه‌های طاقت‌فرسای زندگی، بیکاری و کم‌درآمدی خانواده‌های روستائی مخصوص روستائیان فاقد زمین زراعی اشاره کرده‌اند. ضمن انتظار پشتیبانی از مسئولان آموزش و پرورش شهر بوکان معلمان دانش‌آموزان و سازمان‌های ترفیخواه،

خواست‌های خود را شرح زیر بیان کرده‌اند. خواست‌های فوری:

- کوی شهرداری به کوی «دانش‌آموزان روستائی» نام‌گذاری شود و در اختیار دانش‌آموزان قرار گیرد. - با توجه به پایین بودن سطح درآمد عمومی در کردستان بخصوص در روستاها، کمک هزینه تحصیلی دانش‌آموزان تأمین گردد...
- خواست‌های غیرفوری، ولی لازم:
- ایجاد مدارس در سطح روستا - تأسیس حمام عمومی، درمانگاه، بیمارستان، لوله‌کشی آب تأمین برق، احداث جاده - لوله‌کشی دیون - روستائیان... احقاق حق خودمختاری و تعیین سرنوشت در

بنابراین همگی با هم یکپارچه و متحد جلو دفتر رحیم خرازی جمع شدیم و خواست‌های خود را با او مطرح کردیم در اثر بافشاری ما او نتوانست با مهمانان خود برود بعد چون مطمئن شد تا ما به خواست‌های خود نرسیم به سرکار نخواهیم رفت و بعد از بحث و گفتگوی بسیار مجبور شد به بعضی از خواست‌های ما رسیدگی کند نتیجه این شد: مزد

## از خواست‌های بحق دانش‌آموزان روستائی پشتیبانی کنیم

کردستان - اجرای انتخابات آزاد و دموکراتیک جهت انتخاب نمایندگان واقعی در شهر و روستا...  
- اخراج فوری مزدوران قیاده موقت، این نوکران امپریالیسم جهانی... محکوم کردن توطئه ضددهقانی اربابان در تشکیل اتحادیه‌های کشاورز و فئودال...  
پشتیبانی از شورای موقت کارگران و... بطور کلی شوراها و اتحادیه‌های خلقی - مشارکت فعال در امور مربوط به شورای معلمان و دانش‌آموزان.

### تیراندازی به کارگران مزرعه در اطراف یادگان جلدیان

روز ۲۵ خرداد هنگامی که تعدادی زن و دختر کارگر در مزرعه‌ای واقع در نزدیکی یادگان جلدیان مشغول کار بودند، یکباره از دوسو (هم از سوی یادگان و هم از سوی قلعه‌ای واقع در بالای کوه) با تیراندازی می‌شود. زنان و دختران به محض شروع تیراندازی سراسیمه به سوی جاده دویده و سوار بر یک وانت باری می‌شوند که از جاده عبور می‌کرده ولی یک زن و دختر که دچار ترس فوق‌العاده شده بودند کنترل خود را از دست داده و از وانت به پایین مرت می‌شوند، که حال یکی از آنها اکنون بسیار وخیم است.

### هجوم پاسداران و زاندارها باتانک به روستا به درخواست مالک کردند غرب

روز جمعه ۵۸/۳/۲۵ در روستای دریت‌گوران، حمید بیگ جمشیدی زمیندار بزرگ که سابقاً سردسته چماق‌داران در اسلام‌آباد (شاه‌آباد غرب سابق) بوده از یک روستائی درخواست بهره مالکانه کرده و می‌گوید که اگر روستائیان بهره مالکانه نیرازند، روز خوشی نخواهند دید. این خیر به گوش روستائیان می‌رسد و به موضع‌گیری متقابل روستائیان و مالک

## سندی از سوابق «درخشان» شیخ گزگسک

ما تاکنون بارها و بارها ماهیت سید طه کمالی‌زاده (شیخ گزگسک) و نقش ارتجاعی و تشنج‌آفرین این شخص را در منطقه پیرانشهر افشا کرده‌ایم. متأسفانه تماس مقامات مختلف کشوری با این عنصر مرتجع و نظر تأییدآمیز هیأت حاکمه نسبت به ایشان هنوز ادامه دارد و ما در همین اواخر شاهد هستیم که چگونه به وسیله این عنصر روحانی نما فئودال‌های منطقه را مسلح می‌کنند.

سندی که در زیر ارائه می‌شود، یک بار دیگر ماهیت این عنصر مرتجع و دشمن خلقی کرد را پیش چشم ما قرار می‌دهد، و در عین حال این سؤال را پیش می‌آورد که چگونه حکومتی که ادعای انقلابی بودن دارد، این گونه عناصر را

از جهت (ارکن دم) ...  
تاریخ: ۱۳۰۷/۱۱/۱۶  
شماره: ۰۰۱/۰۱/۱۱/۱۶۵۰

تشیخ‌آفرینانه می‌لنگد ۱۶ ارکن دم ...  
مطلب: امره ...  
واخلا لگر باقای شیخ سید طه کمالی زاده ساکن حرکت که از طرفداران اراضی و تانین اساس است تماس حاصل گردید ... نامبرده قبل مساعد دادند که از جهت تونه همکاری با مقامات مسئول ژاندارمری خود ادوی نفاذند ...

فرستاده تیب ۷ ...  
از سوی ...

انتخابی محترم مانده

## جریانات چند روز اخیر شهر مهاباد نتیجه بی مسئولیتی چه کسانی است؟

شب یکشنبه ۵۸/۳/۳ حمدامین مهربانی که سابقه‌ای طولانی در اذیت و آزار مردم دارد، به اتفاق یکی دیگر از همکاران خود در حالی که هر دو مسلح به مسلسل بوده و مقدار قابل توجهی فشنگ نیز بهمراه داشتند، جلو شهر بانی را قرق کرده و مردم را تهدید به کشت و کشتار می‌کنند. به علت بی‌لیاقتی بعضی از مسئولین رسمی شهر و عدم قاطعیت آنان، هیچ عکس‌العمل مناسبی برای دستگیری و خلع‌سلاح آنان صورت نمی‌گیرد. (حمدامین مهربانی قبلاً به اتفاق عبدالله منگوری، دارودسته چپ‌اولگر به اصطلاح گروه ضربت را برآه انداخته بودند). بعد از انتخابات شورای شهر برخی از مسئولین امر بجای این که با برخوردی قاطع و مسئولانه بساط این دارودسته اوباش را برچینند، با پرداخت مبلغ قابل توجهی پول، به خیال خام خودشان توانستند تشکیلات آنان را از بین ببرند. آنان بر این شاهکار بسنده نکرده، منگوری و حمدامین مهربانی و تعدادی دیگر از افراد به اصطلاح گروه ضربت را وارد قسمت انتظامات شورای شهر کردند. آنان نمی‌خواستند با اقدامی جدی و یکباره کار را بکسر کنند و تصور می‌کردند

که بدون نشان دادن خشونت و تنها با توسل به شیوه‌های آرام خواهند توانست از شرم‌نگوری و حمد امین مهربانی و... خلاص شوند.

انتقادات و هشدارهای سازنده ما و دیگر نیروهای مترقی در اعتراض به برخی کارهای غیراصولی شورای شهر و از جمله مورد بالا، نه تنها به جانی نرسید، بلکه ما متهم به اخلاص‌گری در امور شورای شهر نیز شدیم. تا این که بعد از جریان پریشب جلو شهر بانی مردم شدیداً خشمگین شده و صبح امروز (سه شنبه) برای دستگیری و تنبیه حمدامین و منگوری، پیردخت، اندیمه و... و چند نفر دیگر دست به حرکت اعتراضی خشم‌آلودی زدند و خواستار دستگیری و محاکمه عناصر ضد مردمی، تصفیه شورای شهر، محاکمه خدایپرست و... شدند.

موضوع خیلی مهتر آن که دولت به اصطلاح انقلابی آقای بازگان با بزرگ کردن حادثه جلو شهر بانی و هوجوی‌گری در رادیو تلویزیون و مطبوعات رسمی و ناامن جلوه دادن وضعیت شهر مهاباد، می‌خواهد زمینه را برای ورود ارتش به اصطلاح ملی و اسلامی به مهاباد، که چهره‌اش در سنج و گنبد و خرمن‌شهر بر همگان آشکار شده، بیش از پیش مساعد کند.

# زمین از آن کسانی است که روی آن کار میکنند



# چگونه توده‌های زحمتکش برای احقاق حقوق خود بیامی خیزند

در روز سه شنبه ۵ تیر ۵۸ حدود ۳۰۰ نفر از اهالی نعمت آباد (۴ کیلومتری جاده ساوه) برای اعتراض به "سازمان بهسازی و عمران جنوب" در مورد عدم رسیدگی این سازمان برای حل مسئله آب در این منطقه (نعمت آباد) محوطه این سازمان را اشغال می کنند. در همین زمان بهمانگاری که از طرف سازمان بهسازی مسئول حل مسئله آب بوده است وارد سازمان می شود اما اهالی نعمت آباد اوراد سنگری می کنند و به کشته محلی می برند.

## شرح ماجرا در این ترتیب است:

نعمت آباد یکی از محله های خارج از محدوده نسی "نهران" است که حدود ۲۰۰۰۰ نفر جمعیت دارد. اساسی ترین مشکل اهالی عدم وجود آب آشامیدنی در این منطقه است. اهالی برای نامین آب مجبورند چند کیلومتر راه پیمائی کنند و با وسایل ابتدائی آب به محل سکونت خود بیاورند. سرک دهشاد (به مدیریت مهندس صادقی) برای رفع نیازمندی آب اهالی منطقه مسئول این امر می شود و چندین ملسون نوساز از

دولت و اهالی محل می گیرند تا این مسئله را حل کند. مامور نظارت بر این طرح نیز "سازمان بهسازی و عمران جنوب" است. مطابق قولی که مهندس صادقی داده بود، قرار بود که ۸ ماهه قبل این طرح به اتمام برسد ولی از آنجایی که دردی خصلت اکثریت قاطع بهمانگاری است از لوله های سوراخ و زنگ رده استفاده می کند بطوریکه جرئت سرازیر کردن آب رابه لوله نداشتند است زیرا بعد از مدتی آب نشت می کند و تمام فضا با نقش بر آب می شود. در عرض چند ماه گذشته سه بهانه های مختلف بهمانگاری از اهالی محل در دهها روز تومانی پول گرفته است و توده های زحمتکش هم به امید حل مشکل آب این مخارج را متحمل شده اند. به دلیل گرم شدن هوا و بالا رفتن نیاز مردم به آب، دیگر کاسه صبر مردم لبریز می شود و یکبار ما شس صادقی را خورد می کنند ولی باز هم به نتیجه ای نمی رسند. در نتیجه با تاخت و تار گزشتن کمیته محل (مسئول کمیته آیت الله ایروانی) حکم جلب صادقی را می گیرند و حدود ۳۰۰ نفر زن و مرد و بچه روانه "سازمان بهسازی و عمران جنوب"

# توطئه فئودالهای پیرانشهر:

## در برخورد ماموران کمیته با مردم یک نفر کشته و یک نفر زخمی می شود

به دنبال صلح شدن فئودالها و مرخصی منطقه سرانجام توسط ملاحظی و تنگ گزگک و جماعت مستعم و غیره - مستعم ارس و "فاده ای ها" از آسان برخورد مسلحانه ای که از مدتها پیش انتظاری می رفت (و ما را در رستارهای فیل در اسیر و زندان دادیم) در فرقه "تازه قلعه" رخ داد.

مانند آنچه که به فئودالها بستگرمی می بخشد حمایت صمیمی ارتش - "قیاده ای ها" و "سوخ مرتجع آن منطقه" گزگک اربک سو و گزگک تأیید آمزد دولت در برابر زمینه جینی ها و اعمال ضد انسانی آنها را سوزی دیگر بود. به دنبال خطاری که فئودالها پس از صلح شده و تشکلاتان در "انحادیه" عشاری قندیل جهت هجوم به روستائیان می دهند، زحمتکش روستاهای منطقه خود را آماده مقابله و مقاومت تا پای جان در برابر آنان می کنند و طی گزگک که از ساعت ۲/۵ آمداد روز یکشنبه ۳ تیر ماه ۵۸ ناحله نوطه گرانه فئودالها به دفتر حرج دموکرات و مقاومت مردم و سروهای اعلائی آغاز شد و تا حوالي ظهر روز دوشنبه ۴ تیر ماه در روستای "تازه قلعه" ادامه یافت، روستائیان مارز موفق شدند ۶ تن از فئودالها را کشته ۲۰۰ تن را خلع سلاح کرده و بعد از فراری دهند. اسامی اربابان کشته شده عبارتند از: مصطفی منگوری، ظاهر درویش خانی، ارباب نخان، ارباب عالی آباد و شاکر آباد ابراهیم حمزه آقا و علی احمد گل آتسنا، همچنین تعدادی از فئودالها زخمی می شوند که رم دفعشان معلوم نشده است.

فئودالهای فراری به همراه افراد فداه موقت در کوهها و جنگلهای اطراف در صدد تشکیل مجدد و هجوم دوباره بر می آیند و طبق گزارشهای رسیده، شیخ گزگک هم به وسیله هلی کوپتر ارتشی

به یادگان پیرانشهر منتقل می شود و از روز قبل از حمله، افراد و وابستگان شیخ در ارتباط مستقیم با یادگان بودند. روستائیان مارز آن منطقه و مناطق محاور پیرانشهر همگی صفوف خود را برای مقابله با هجوم اربابان هر چه فشرده ترمی کنند. به دنبال اس ما حرا ارتش در پیرانشهر وارد محارمی شود و روز دوشنبه دو کامیون با اسلحه، دو کامیون از فئودالهای شاک، یک اتومبیل از افراد شیخ گزگک، دو تاک جفتن به سوی روستای "تازه قلعه" حرکت می کنند. بعد از این عمل تنگن ارتش که به پختن سبزی از فئودالها برخاسته، تمام مغازه های پیرانشهر تعطیل و اهالی به یک راهپیمائی بزرگ دست می زنند که همان موقع تعدادی از افراد کمیته انقلاب اسلامی تحت نفوذ شیخ گزگک با تهدید اسلحه جلو مردم را می گیرند. ولی مردم با شجاعت و دلآوری و با پای کردن سینه های خود به راهپیمائی خود به طرف کمیته ادامه می دهند. در نزدیکی کمیته افراد وابسته به شیخ گزگک به طرف مردم تیراندازی می کنند که یک نفر کشته و یک نفر زخمی می شود.

به دنبال این حوادث عده زیادی از مردم در تلفن خانه شهر متحصن می شوند و شهر به حالت تعطیل در می آید. افراد وابسته به شیخ گزگک (حیبه اسلامی) هم پس از گذشتار روز دوشنبه فرار می کنند.

فئودالها و وابستگان یکی از اعضای انجمن به غارت می رود. کمیته انقلاب اسلامی شهر کرد عوامل امر بهمن را که در صدد حمله مجدد بودند بازداشت می کند ولی بدون دلیل آنها را آزاد کرده و شروع به دستگیری طرفداران انجمن مرکزی می کند و جعفر قلی رستمی و محمد حسروی را (با وجود آنکه در موقع تهاجم در شهر نبودند) به همراه پسرانش دستگیری می کنند. به دنبال دستگیری جعفر قلی رستمی که از افراد خوشنام و مورد احترام عناصر بختیاری است موج اعتراض در میان افراد ایل بالایی گرد و از طوایف مختلف هفت لنگ (باباوی، بابا احمدی، سوری گله، احمد مونی و...) گروه گروه به استانداری مراجعه و خواستار آزادی وی می گردند ولی استاندار از خود سلب مسئولیت می کند.

# ضد انقلاب در بختیاری توطئه می کند

میرداد و چون تشکیل انجمن را بدون شرکت خانها مخالف منافع استثمارگران و غارتگران خود می بینند علیه انجمن توطئه می کنند و در صدد برمی آیند مستی را که روز جمعه زاردهم خرد داد از جانب انجمن برگزار شده بود به هم بریزند. هنگام سخنرانی محمد پیروزی یکی از موسسین انجمن موسی جهانگیری به وی حمله می کند و بیکی دیگر از عوامل امر بهمن نیز با اسلحه گمری چند تیر شلیک می کند. ماجرا با حالت کمیته اسلامی شهر کرد خانه می باندولی صد انقلابیون ما حرا راه همین حالت تمام نمی کنند و همانروز نقشه حمله به خانه طرفداران انجمن مرکزی ایل بختیاری را ساده می کنند و با ۱۵۰ نفر مجبزه با تفنگ و اسلحه گمری و چاقو به خانه های اعضای انجمن حمله می کنند. در این درگیری ۷ نفر از مهاجمین مجروح می شوند

میرداد و چون تشکیل انجمن را بدون شرکت خانها مخالف منافع استثمارگران و غارتگران خود می بینند علیه انجمن توطئه می کنند و در صدد برمی آیند مستی را که روز جمعه زاردهم خرد داد از جانب انجمن برگزار شده بود به هم بریزند. هنگام سخنرانی محمد پیروزی یکی از موسسین انجمن موسی جهانگیری به وی حمله می کند و بیکی دیگر از عوامل امر بهمن نیز با اسلحه گمری چند تیر شلیک می کند. ماجرا با حالت کمیته اسلامی شهر کرد خانه می باندولی صد انقلابیون ما حرا راه همین حالت تمام نمی کنند و همانروز نقشه حمله به خانه طرفداران انجمن مرکزی ایل بختیاری را ساده می کنند و با ۱۵۰ نفر مجبزه با تفنگ و اسلحه گمری و چاقو به خانه های اعضای انجمن حمله می کنند. در این درگیری ۷ نفر از مهاجمین مجروح می شوند

# هجوم زاندارها به روستا به درخواست مالک

کزند غرب - روز جمعه ۲۵ خرداد در روستای "درت گوران" حمید بیگ چشمبندی زمیندار بزرگ که سابقا سردهسته چاهداران در اسلام آباد (شاه آباد عرب سابق) بوده از یک روستائی درخواست بهره مالکانه کرده و می گوید که اگر روستائیان بهره مالکانه را نپذیرد از روز خوشی نخواهند دید.

این خبر به موضع گیری متقابل روستائیان و مالک می انجامد. بدنبال آن مالک یادپیش به روی روستائیان اسلحه می کشد و با تراکتور به سوی آنان حمله کرده و آنها را متفرق می کند. بعد هم به زاندار می گوید که بختن گیسو را که از او حمایت می کند شکایت می کند که "دهقانان خانه ام را عارت کرده اند" از سوی کمیته تعدادی مامور وزاندار ما تا تک به روستا هجوم می آورند و برای روستائیان ایجاد ترس و وحشت می کنند.

## مردم سه روستا در برابر یک زمینخوار

سندج - روستائیان آلک، سعید اسماعیل و صارم آباد در قطننامه خود ضمن اشاره به دستاوردهای انقلاب و روح آزادخواهی مردم زحمتکش، خواهان محاکمه والی خان سندجی، ظالم خونخوار و طرفدار رژیم فاسد پهلوی و همچنین خواهان پس گرفتن در آمد حاصل از زمین هایشان شدند که معادل اصلاحات ارضی توسط والی خان عصب شده بود.

روستائیان همچنین خواهان از نو ساخته شدن آبادیهای صارم آباد و سند اسماعیل که بوسیله همین فئودال ویران گردیده، شده اند و از دولت خواسته اند برای جلوگیری از بروز حوادث ناگوار به والی خان اجازه بازگشت به روستای آلک را بدهد.

## تشکیل شورای وقت محله کوی فدائی (دره قربانی)

تبریز - اهالی دره قربانی که به ضرورت تشکیل شوراسیده بودند روز دوشنبه ۴ تیر ماه ۵۸ در قبه خانه محله اجتماع می کنند. شرکت کنندگان که ۳۵ نفر بودند همگی موافق تشکیل شور بودند و می گفتند اگر خودمان دنبال کاررویم هیچکس به کار ما رسیدگی نخواهد کرد و سپس ۴ نفر از اهل محل که به گفته اهالی اشخاصی مبارز و مطمئن بودند در زمان شاه بیشتر از همه در تظاهرات و راهپیمائی شرکت کرده بودند به عنوان نماینده انتخاب شدند. پس از انتخاب نمایندگان خواستهای اهالی محل تنظیم شد و قرار

## اتحاد و اقدام انقلابی تنها ضامن پیروزی دهقانان

دهقانان روستای مجد آباد از توابع اهر که به بی فایده بودن انتظار از دولت بی بردند خود را با دست به کار شده روز منهای غصب شده خود را که در دست شخصی به نام سلطانی بود باز پس گرفتند و به وسیله دوازده تراکتور اقدام به شخم زدن زمینها نموده و دست ارباب غاصب را از زمینهای خود کوتاه کردند.

همچنین روستائیان خونخوار، اذغان و مجد آباد با اتحاد و همبستگی زمینهای خود را که جنگلانی غصب کرده بودند گرفتند.

اقدام روستائیان ناشدنی است بر این تجربه که بدون قدرت متحد روستائیان و اقدامات انقلابی ماسل و مشکلات اساسی آنها حل خواهد شد.



# کشاورزان گلپایگان فسارهای ارباب را خنثی کردند

روستائیان قریه رباط حسینیه گلپایگان که از مراجعات خود به مقامات مسئول نتیجه ای نگرفتند (خبرایس - مراجعات در کار ۱۶ آمده است) خود را اقدام به جمع آوری و تقسیم محصول کردند. در روز بعد که می خواستند محصول را با ماشین ببردند شععی (یکی از زمینداران) به همراهی یک جیب کمیته و هفت مامور مسلح به آنجا آمد که با حمله مردم ناچار به فرار شد. ولی نیم ساعت بعد بانک کامیون ارتشی پیرازاندارم برگشت. مردم که شدیداً عصبانی شده بودند با اسلحه و شمشیر اوجمله کردند و او را باز فرار کرد. بعد از فرار شععی افراد مسلح می خواستند مانع بازگویی روستائیان شوند که عکس العمل شدید آنها را بر آوردند. شرکت آتاری روستائیان برای فسار آوردن به روستائیان تهدید کرده است که آب روستا را قطع می کند. ولی مردم چهار نفر را به عنوان نماینده به آنجا فرستادند و گفتند اگر آب را قطع کنند همگی به آنجا حمله خواهند کرد. شرکت ناچار عطف نشی می شود.

کذا شد که روز سه شنبه پنجم خرداد خواستهای خود را به استانداری اعلام کنند. خواستهایشان عبارت بود از:

- ۱- کشتن برقی به محله.
- ۲- آوردن شاه لوله آب به محله برای تهیه آب مشروب.
- ۳- درست کردن پل.
- ۴- نسطیح و ساختن کوجه و ماسر محله.
- در ضمن باید گفت که این محله از محلای است که در جریان سل احمر تیریز آسب دیده است.

## خائز دارد از بین میرود

بندر بوشهر - خائز دره ۷ کیلومتری شرق بندر بوشهر فرار دارد. از سال ۴۱ به بعد همراه با سببهای تخریبی دولتی رزمی گذشته در مورد کشاورزی باغهای میوه این منطقه درو به ناسودی رفت.

آچه مردم خائز اردولت موفت انتظار دارند بدین فرار است: ۱- محصولات روستا را به وسیله شرکت تعاونی در خود ده به قیمت عادلانه ای بخرند.

۲- به کشاورزان وام طولی مدت بدهد. خواستهای دیگر مردم، پل بندی راه خائز - اهرم و کمکهای فنی به کشاورزی است تا مردم این روستا که بسیاری از آنها مهاجر و بیگانه اند، به کار کشاورزی بپردازند.

## تحصن اهالی مشکین شهر

در حدود دو هزار نفر از اهالی مشکین شهر بعد از ظهر یکشنبه بهت و هشتم خرداد به عنوان اعتراض به عدم تامین آب آشامیدنی شهر، دست به تظاهرات زدند. به دنبال این حرکت دو معلم و یک دانش آموز توسط کمیته امام دستگیر و آنجا به اردبیل و سپس به تبریز فرستاده می شوند. برای اعتراض به این عمل در حدود ۲۵۰ نفر شامل فرهنگیان و دانش آموزان و کارگران روستائی در اداره

# زمین از آن کسانی است که روی آن کار میکنند





کارگران کارخانه درخشان:

هنوز سرسپردگان سابق حاکمند

روزشنبه ۱۹ خردادماه عده ای از کارگران کارخانه درخشان بخاطر همبستگی با اعتصاب کارگران قرقره زیبا که روز ۱۷ خرداد آغاز شده بود، قطعنامه ای صادر کردند و اعلام داشتند چنانچه خواسته های آنها برآورده نشود، دست به اعتصاب خواهند زد و خواستند که به امضا کلیه کارگران برسانند ولی هنگام امضای قطعنامه افراد تحریک شده دخالت کردند عده ای آن را ضبط و پاره کردند و حتی به درگیری بین کارگران کشید که جریان به باشگاه کاروانسراستکی اطلاع داده شد. بدنبال آن در تاریخ ۲۱ خرداد ماه از طرف گروهی از کارگران اعلامیه ای در کارخانه پخش شد که متن آن در زیر آمده است.

آقای "قاسم بهمنی" که مدیر داخلی کارخانه، رئیس شورای کارخانه مامور کمیته امام در کارخانه و خلاصه با گذاشتن یک ریش همه کاره کارخانه شده است، اطلاعاتی در بر خورده با این دو جریان صادمی کند. این اطلاعاتی طوری اضطراب آلود و خشمگینانه نوشته شده که برخلاف عادت دو ماه اخیر آقای قاسم بهمنی در آن "بسمه تعالی" فراموش شده است و این خود نشان دهنده ماهیت این آقایان می باشد که تاجه اندازه به اسلام پایبند هستند.

آقای قاسم بهمنی شورای کارخانه درخشان تهران (چون فقط بجای شورا شمانصمیم می گیرید) شما چه چیزی در آن قطعنامه و اعلامیه دیدید که بقول خودتان خلاف "خط مشی انقلاب این واحد تولیدی" باشد؟ آیا شما به این وسیله اختناق رایج وجود نیاوردید؟ آیا جرایم است که خود شما پایبند اصول مقدس انقلاب نیستید، بلکه بارها شکرچیان را بپوشید نموده، کارخانه را با طبع ایشان از میان می چرخانید؟ اگر شفاست می گوئید و مسلمان هستید چطور اعمال آقای شکرچیان و آقای اخلاقی را فراموش کرده اید؟

آقای بهمنی، مگر یادتان رفته است که یک سال قبل به خاطر کارگران افغانی اعتصاب کردیم و رضاشکرچیان صبح به میان اجتماع اعتصابی ما آمد و فریاد زد: "بروید سر کارتان، من از این اعتصابات نمی ترسم." و گفت: "خدمت"

مرگ بر شکرچیان و طرفدارانش  
زنده باد اتحاد کارگران  
گروهی از کارگران درخشان  
تهران ۵۸/۴/۴

نامه کارگران

ما کارگران، مانجبران، ستمدیدگان زجر دیده و دهقانان زحمتکش سانسور را، این بازمانده عقاید قسرون وسطایی را در هر شکل و مضمون، در هر رنگ و لباسی، از طرف هر طبقه و شخصی به شدت محکوم می کنیم و به سانسورچیان هشدار می دهیم که اگر دست از اعمال پست و زشت خود برندارند و جلوه گری از عقاید آزاده مردمان آزاد بخوانند، کفن خود را دوخته اند و از زمانی که سرمایه و مالکیت به وجود آمد، ستمدگان، این اقلیت زور گو همواره کوشیدند تا از تکامل تاریخ جلوه گری کنند و به این منظور سانسور را اعمال کردند. اما این کوتاهی نظران که زمانی به لباس گرگ و گاهی در شکل میش ظاهر می شوند، نخواهند توانست وقفهای در این امر (تکامل تاریخ) به وجود آورند.

آقایان! خود شاهد بودید که سالها شاه خائن مدعی دواختشاهی آزادی و دموکراسی بود، ولی با شمشیر سانسور هرزبانی را در کام می بریدند. در این مورد حتی به اسلام مترقی هم رحم نکردند. و همه این ها اعمال ننگین و شرم آوری بود که برای بقای خود انجام دادند و شما دیدید که آخر چه شد.

حالا شما دیدید دولت موقت و حزب جمهوری اسلامی، هر دقیقه از صند او سیماي خودتان تبلیغ می کند که طرفدار آزادی بیان و عقیده هستند و اسلام به دیده احترام همه رنگه می کند. سانسور وجود ندارد، ولی ما کارگران بیشتر از هر طبقه و گروه دیگری ساهی هولناک دیو سانسور را بر بالای سر خود احساس می کنیم. آقایان! تفتیش عقاید و سانسور شامحتی در خدمت اسلام هم نیست بلکه در خدمت رضاشکرچیان است که در زمان شاه با لگد بر مبرمز کارگر می زد و می گفت: "من کارخانه دایر کرده ام نه مسجد."

حالا افشاگری رضاشکرچیان به وسیله افرادی چون قاسم بهمنی که ظاهرا طرفدار اسلام است، محکوم است و کنترل می شود. آیا این است اسلام و برابری؟  
بله آقایان! جلوی عقاید آزادی خواهان را گرفتن نافذتر از آنست که در چهارچوب یک کارخانه، یک دانشگاه، یک روزنامه، یک شهر، یک مملکت محصور بماند. بلکه فضا را شکافته و تمام کائنات از آن باغبر می شوند.

کارگری که از حق خود دفاع کند در کارخانه جانی ندارد

رفقا! به سخنان یک کارگر که به علت دفاع از حقوق خود از کار برکنار شده است توجه کنید:  
من بعد از دوازده سال درس خواندن در این مملکت، قبل از انقلاب در کارخانه الکترو لوکس ساوه باروزی ۱۰ ساعت کار ۴۰۰ تومان دستمزد (که ماهیانه ۲۰۰ تومان آن را به عنوان مالیات و حق بیمه از آن پول ناچیز کم می کردند) مشغول به کار شدم. بعد از این که انقلاب شروع شد چون دو ماه کار کرده بودم پولی به ما نداده بودند. روزی با دیگر کارگران جمع شدیم و برای دریافت حقوق خود در برابر کاری که کرده بودیم پیش کارفرما رفتیم اما مرابه عنوان یک خرابکار از کار برکنار کردند. من به اداره کار ساوه مراجعه کردم و اداره کار طبق سابقه کارپول ناچیزی به مبلغ ۴۹۸۲ ریال به عنوان اجزای در نظر گرفت که این مبلغ را دریافت کنیم.

انقلاب پیروز شد و دستوراً روزی بر کار و امور اجتماعی آمد کسی که در این انقلاب از کار خود برکنار شده و با اجزای شده اند می توانند به سرکار خود مراجعه کنند. من به کارخانه مراجعه کردم ولی به من گفتند که کارفرما تکمیل است و احتیاج به نیروی انسانی نداریم در صورتی که بعد از ۱۱۰ نفر دیگر راهم اخراج کرده بودند. من مدتی صبر کردم و بعد در تاریخ ۴ خردادماه مجدداً مراجعه کردم و گفتیم که من بیگانه هستم و شما مرا از کار برکنار کرده اید و طبق دستور روزی بر کار و امور اجتماعی می بایستی بنده در این کارخانه کار کنم. در جواب گفتند کسی که در این کارخانه از حقوق خود دفاع کند طبق گفته رئیس شرکت نمی تواند دیگر در این کارخانه کار کند. واقعا این است معنی انقلاب؟

بدرود فراوان - جوان بیگانه محسوب می شود

پیش بسوی ایجاد و تقویت شوراهای واقعی

نامه يك کارگر معدن:

با کارگران که پرچمدار انقلاب بودند چگونه رفتار میشود

منی دانم چه بگویم واز کجا آغاز کنم. اما به هر حال خطاب را به شما دارم. هر گجای کار را که نگاه کنی می لنگد و از هر چیزی عیبی بیرون می آید. دل خوش داشتیم به این که انقلاب کرده ایم و شمره آن را ما زحمتکشان خواهیم برد. اما به روشنی می بینیم که غیر از این است. اوایل کارگران، پرچمداران انقلاب حساب می شدند. اما اکنون فرق از زمین تا آسمان شده است. عوامل سرمایه داران با قیافه حق به جانب، با قیافه کسانی که سالها مورد ظلم و ستم قرار گرفته اند، در دستگاه رهبری نفوذ کرده اند و لاجرم خواهان همان قوانینی هستند که ما بر علیه آن ها انقلاب کردیم. قوانین ضد کارگری و به قولی قانون کارفرما می گویم. مثلاً حتی ساعات کار به جای آن که تقلیل پیدا کند، همان چهل و هشت ساعت اعلام شده است. پنجشنبه ها به جای آن که جزو تعطیلات و استراحت کارگران زحمتکش باشند، به عنوان روز کار اعلام شده اند. خلاصه آنچه را که مارشته بودیم، پنهان کرده اند، آنهم با چه قیافه دلسوزانه و عوام فریبانه ای. دوستان!

برای کارفرمایان و عوامل آن مهم نیست که کارگر چهل و هشت ساعت بی وقفه کار کند و شمره کارش را او برد. برای آقای رازی مهم نیست که فرزند کارگر خردی ناکرده در این بهایان مریض بشود و او دسترنجی به هیچ جاوهیج کسی نداشته باشد ولی آقای رازی برای خرید وسایلی خانه با آمیولانس به شهر برود. برای آقای گلپایگان دولو قاجار و لاجوردی مهم نیست که کارگر چهل و هشت ساعت کار کند و یک روز استراحت نداشته باشد. اما او در هفته دوروز بی عیش و عشرت خودش برود. برای آقای زاهدانی هیچ مهم نیست که من با ماهی هزار پانصد تومان می توانم به خانواده ام کمک ناچیزی بدهم یا ندهم. مهم این است که او چه خواسته ای دارد. اگر کارگر در هفته چهل و هشت ساعت کار کند، اخلاکگر اغتشاشگر و ضد انقلابی است. برادران نماینده مارا که مردمی با خدا و مومن بودند به جرم حق طلبی به اتهام اغتشاشان و اخلاکگری بیرون می کنند و این یعنی هیچ کدام از ما صد نفر و بیشتر به اندازه پشیزی ارزش نداریم. کارگر خوب و زحمتکش دیگری را بیرون می کنند. به جرم اینکه حقایق را گفت و در مورد آنها هیچ چیز نگذشته است. دو نفر دیگر راهم با همین عناوین حکم اخراج به دستشان

این نامه ای است که یک کارگر معدن برای ما فرستاده است. رفیق کارگر بانوجه به آنچه پس از انقلاب بر او روی کارگران گذشته است، مساله انقلاب را مورد سؤال قرار داده و به این اعتقاد رسیده است که عوامل سرمایه داران در دستگاه نفوذ پیدا کرده اند و تلاش دارند همان قوانین ضد کارگری سابق را دوباره بر کارخانه و موسسات تولیدی اعمال کرده و مانند گذشته حقوق کارگران را باهمال کنند. این کارگر در ضمن این که اعمال غیر انسانی کارفرمایان را در محیط خود به خوبی افشامی سازد اما در یک مورد نیز دچار اشتباه می شود و آن این است که اصولاً اشکال کار را در کل سیستم سرمایه داری جستجو نکنند و این اشکال را به هم می آورد که تنها عده معدودی سرمایه دار هستند که این چنین می شرمانند بر چپاول و استثمار کارگران می پردازند و سرمایه داران کشور ما هستند که هیچ حقی برای کارگر قائل نیستند. اومی پرسد: "در کجای دنیا، حقوق خود را خواستن عملی ضد انقلابی و اخلاکگری است. در کجای دنیا مدیریت انتقاد کردن و آنها را ارشاد نمودن مستحق چوب و چماق و تنگ است؟"

این رفیق باید در نظر داشته باشد که اولاد تمام جوامع طبقاتی (هر کجای جهان که باشد) که سرمایه داری حاکم است، نه تنها هیچ حقی برای کارگران در نظر گرفته نمی شود، بلکه هرگونه حرکت اعتراضی آنها و وحشیانه سرکوب می شود و این عنوان "اخلاکگر، خرابکار، اغتشاشگر"، به عنوان پوششی برای محق نشان دادن اعمال ضد انسانی خود استفاده می کنند تا به این بهانه حرکات اعتراضی کارگران را سرکوب کنند. البته در کشورهای نظیر کشور ما که سرمایه داری وابسته و توتورک صفت طبقه مسلط را تشکیل می دهد، طبعاً متناسب با ماهیت سرمایه داری وابسته سرکوب کارگران و وحشیانه تروبی شرمانه تر صورت می پذیرد. در تاتی در چنین مناسباتی به هیچ وجه نمی تواند صحبت از انتقاد و ارشاد کارفرما یا مدیریت به میان بیاورد. یعنی رفقای کارگر باید بدانند که از کارفرما یا سرمایه دار توقع ارشاد داشتن بی شباهت به این نیست که از گرگ تقاضا کنند کوسفند را نخورد.

اصولاً ماهیت سرمایه داری در این است که هرچه بیشتر استثمار کند و حرکت اعتراضی کارگر را سرکوب کند اگر غیر از این بوده که سرمایه دار نمی شد. بنابراین، رفقای کارگر باید بدانند که با انتقاد کردن، ارشاد کردن و فقط خواسته های صغری را مطرح کردن مادام که کل سیستم سرمایه داری تغییر نکند و کنترل کارخانه در دست خود کارگران قرار نگیرد، هیچ تغییری در وضعیت زندگی کارگران ایجاد نخواهد شد.

کارگر معدن

کارگر معدن

کارگر معدن

کارگر معدن

خاطرات يك کارگر قالبساف

من یک کارگر قالبی باف هستم از وقتیکه دست راست و چپم را تشخیص داده ام خود را روی داربست قالبی دیده ام. نمی دانم چند ساله بود که کارگر شدم اما همین قدر می دانم که کمتر از ۱۰ سال داشتم که یتیم شدم. روزی مادرم دست مرا گرفت و به این کارگاه قالبی بافی آورد. گویا حاجی رحیم صاحب کارخانه که حالا مرده است و پسرش کارخانه را اداره می کند، پیش مادرم رفته بود و با اظهار دلسوزی به پول آن زمان ۵۰ تومان داده بود و مرا به مدت ۱۰ سال خریده بود. حالا جقدر کتک خوردم، جقدر انگشت هایم را بریدم، بماند. اما دیگر کارگر قالبی باف بودم و جز این کار، کار دیگری بلد نبودم و حالا هم بلد نیستم. حالا ۳۸ سال دارم. تقریباً می شود گفت که ۳۰ سال از زندگیم را در این کارگاه نضاک و نیمه تاریک و پراز گرد و غبار گذرانیده ام. سواد ندارم. این نامه را هم یکی دیگر برای می نویسد آنقدر چهار زانو روی داربست نشسته ام که زانوهایم پینه بسته است. نفسم تنگی می کند. یاها هم خیلی لاغر است. نمی توانم زیاد راه بروم اگر زیاده راه بروم یاها هم دردی می گیرد. نور چشمیام هم کم شده است. اما مجبورم که کار کنم اگر کار نکنم خرج زن و ۲ بچه ام را چه کسی خواهد داد؟ هر قدر هم کار نکنم روزی بیش از ۵۰ تومان نمی توانم بگیرم. تا چند سال پیش که قوی تر بودم، زیاد کاری کردم اما حالا نمی توانم. بیمه نیست. یعنی ما را بیمه نکرده اند. معلوم است که حقوق باز نشتگی هم ندارم. اما مجبورم که کار کنم.

فرشاهای که من می بافم تقریباً هر مترش ۲۵۰۰ تومان قیمت دارد. روزی نشتیم قیمت پشم، قیمت رنگ، قیمت الیاف ریز و درشت را حساب کردم. مزد

خودم را هم حساب کردم. حدود ۹۰ هزار تومن شد. یعنی من حدود یکماه و نیمه کاری کنم کمتر از ۳ هزار تومن می گیرم اما حاجی علی پسر حاجی رحیم در همین مدت ۶ هزار تومن سود می برد. در کارگاهی که من کاری کنم ۱۱ دستگاه قالبی بافی وجود دارد که در هر کدام هر دو ماه یک قالبی آماده می شود. مادر هفته فقط یک روز و نصفی بیکاریم. شنبه ها بعد از ظهر و جمعه ها بقیه روزها پیش از ۱۰ ساعت کاری کنیم. انقلاب که شد خوشحال شدیم که وضع ما هم در این سرپرستی بهتری شود اما حالا که انقلاب شده است حاجی از مزد ما کم کرده است. من گوید فرزند سواد ندارم ضرر می دهد. بیشتر وقتها هم در کارگاه را می بندد. یکی دو بار من و دوستانم از این وضع شکایت کردیم حتی پیش رئیس کمیته هم رفتیم ولی دست خالی بازگشتیم. من گفتم آقای رئیس کمیته مانی می توانم با گرفتن درود وزنده باد شکم خود و بچه هایمان را سیر کنیم. ما حقمان را می خواهیم. ما گدایی نمی کنیم و از کسی هم صدقه نمی خواهیم. اما هر وقت که اعتراض می کنیم به ما فحش می دهند که شما ضد انقلابی و توطئه گر هستید.

آیا ما برای این در خیابانها با برزمین گوئیدیم که حالا فحش پشت میم؟ پس انصاف کجای است؟ مگر کارفرما از جیبش به ما پول می دهد ما محقق خودمان را می خواهیم. ما ۳۰ سال کار کردیم. حاجی میلیونر شد. اما حالا که می خواهیم حق ما را بدهد، فحش زن و بچه نثار میمان می کند. اگر انقلاب این است پس با گذشته چه فرقی کرده است؟ خواهش می کنم حرفهای مرا بنویسید.

۵۸/۲/۳۰



# تاریخچه و منشاء رویزیونیسیم در جنبش کمونیستی (۲)

## تئوری «سوسیال امپریالیزم» انحراف از مارکسیسم - لنینیسم است (۲)

در اینجا پیش از آنکه به کنگره بیستم حزب کمونیست اتحاد شوروی و مواضع رویزیونستی خروشچف و باران او بپردازیم فتردهای از مهمترین نظریات رویزیونستی برنتسین و کائوتسکی را نقل می کنیم ، تا روشن شود که دیدگاههای خروشچف و دارو دسته او به دیدگاههای کسانی که لنین آنرا راجع به جنبش کمونیستی جهان معرفی کرده است ، شباهت دارد .

برنتسین و کائوتسکی هر دو با تحریف فتردهای خود سیاسی مخالف بودند و راه پارلمانی را به طیف کارگر توصیف می کردند . آنها در واقع با جوهر انقلابی اندوختنی طیف کارگر به مخالفت برخاسته بودند و می گوشتند این توهم را در طیف کارگر و حرکتشان به وجود آورد که می توان با دست آوردن اکثریت در پارلمان به بیروزی رسید . برنتسین در اثر خود به نام "شرایط مقدماتی سوسیالیزم و وظایف حزب سوسیال دموکرات" ادعای کند که سرمایه داری می تواند بطور مسالمت آمیز تکامل یابد و مدعی می شود که خرید کردن دستگاه سیاسی جامعه سرمایه داری نه تنها هیچ ضرورتی ندارد بلکه باید این دستگاه را تکامل داد .

برنتسین می گفت " وقتی طیف کارگر و حرکتشان اکثریت داشته باشند و سواند در انتخابات شرکت کنند و ساسدگان خود را به پارلمان بفرستند و در پارلمان اکثریت به دست آورند ، در واقع هیچ کس قدرت مقاومت در برابر آنها نخواهد داشت و فرمانروایان خود به خود تسلیم می شوند .

او این اصل انگار ناپذیرا که هیچ طیفی به میل و رضای خود قدرت را به طیف دیگر تحویل نمی دهد رد می کرد . لنین در " پیروزی کادتها و وظایف حزب کارگری " در مورد برنتسین و طرفداران او چنین می گوید :

" برنتسین ها به مارکسیسم عاری از آنها مبارزه پارلمانی را نه به منزله یکی از وظایف مبارزه که مخصوصاً در دوران تاریخی معینی مفید است بلکه به منزله شکل عمده و تقریباً منحصر به فرد مبارزه که قهر ، تصرف و دیکتاتوری پرولتاریا را غیر لازم می شمارد مورد توجه قرار می دهند . کائوتسکی نیز ادامه دهنده راه برنتسین است ، او مخالف سرخسیت دیکتاتوری پرولتاریا و تسخیر قهرآمیز قدرت سیاسی بود . او مدعی بود که در دموکراسی بورژوازی ، طیف کارگری می تواند قدرت را از راه پارلمان تسخیر کند . او مریا از دموکراسی خالص حرف می زد و این اصل اساسی مارکسیسم را کسبه و مکرزی بورژوازی نیز در هر صورت شکلی از دیکتاتوری اقلیت بر اکثریت یا دیکتاتوری سرمایه داران بر کارگران و زحمتگان است قبول نداشت . او این واقعیت را که بورژوازی هر زمان که منافع خود را در خطر ببیند ، از چماق سرکوب خود یعنی از ارتش خود استفاده می کند و طیف کارگر را سرکوب می نماید ، انکار می کرد . کائوتسکی حزب بلشویستک و لنین را سخت مورد سرزنش قرار می داد . کائوتسکی دزخ خود به نام " انقلاب

پرولتری و برنامه آن " حزب انقلابی بلشویک را مورد انتقاد قرار می دهد و می گوید :

" بلشویکها به قایلهای می مانند که می خواهند با عجله و بیروزی را که ۵ ماهه حمله است و ادا کنند بچه خود را بزنند .

کائوتسکی می گفت :

" هدف ماتنا صاحب قدرت دولتی از طریق به دست آوردن اکثریت پارلمان و ارتقا پارلمان به نیروی کنترل کننده دولت است " . ( کائوتسکی ، تاکتیک نوین )

اما واضح است که این عقاید کاملاً مغایر با احکام اساسی مارکسیسم است زیرا که مارکسیسم ثابت می کند که بورژوازی هرگز به طیف کارگر و حرکتشان اجازه نخواهد داد که به این آسانی قدرت را از چنگ او بیرون آورد . بورژوازی برای نگهداری قدرت منافع خود را در خطر ببیند به هر جنابیتی دست می زند و با تمام قدرت از منافع حیاتی خود دفاع می کند . تمام تاریخ گواه این واقعیت است . در اینجا لازم است توضیح دهیم که مارکس در دهه ۷۰ قرن نوزدهم معتقد بود که امکان پیروزی سوسیالیسم از راه مسالمت آمیز در انگلستان وجود دارد . چرا که بورژوازی انگلستان در آن زمان فاقد یک دستگاه عظیم بوروکراسی و فاقد یک ارتش نیرومند سرکوبگر بود .

کائوتسکی و هواداران او به همین گفته مارکس استناد می کردند اما فراموش می کردند که مارکس و انگلس بارها تاکید کرده اند که :

" طیف کارگر نمی تواند بطور ساده ماشین دولتی حاضر را در دست گرفته و با استفاده از آن به هدف خود برسد ."

مارکس و انگلس معتقد بودند که بدون خرید کردن کامل ماشین دولتی بورژوازی توسط طیف کارگر امکان استقرار حکومت کارگران به هیچوجه وجود ندارد و مارکس به ویژه پس از تجربه کمون پاریس عمقانه این واقعیت بی برد بر آن تاکید کرد .

لنین در اثر خود به نام " درود به کمونیستهای ایتالیا ، فرانسه و آلمان " ادعاهای صدمارکسیستی کائوتسکی را به باد انتقاد می گیرد و چنین می گوید :

" فقط اشخاص رذل و یا احمق می توانند باور کنند که نخست پرولتاریا می بایست به وسیله انتخاباتی که زیر فشار بورژوازی و زیر بوی بوردگی کار دستمزدی اجرامی شود . اکثریت بدست آورد و بعد قدرت دولتی را بدست گیرد . این اوج سفاقت و یاشیادی است . این بدان معنی است که انتخاباتی که حفظ نظام کهنه اجتماعی وزیر قدرت دولتی کهن جانشین مبارزه طبقاتی و انقلاب گردد ."

مادر شماره های آینده نظریات رویزیونستیهای جدید را که در بیشتر موارد درست همان نظریات کائوتسکی ، برنتسین و امثال آن است شرح می کنیم و نشان می دهیم که گرایش کائوتسکی و رویزیونستی تاجه حد برای طیف کارگر و جنبش کمونیستی خطرناک است .

لنین در آثار خود اصطلاح " سوسیال امپریالیسم " را بارها به کار برده است . برای مثال او در " امپریالیسم به مناسه بالاترین مرحله سرمایه داری " یکبار و در " انقلاب پرولتری و کائوتسکی مرتد " سه بار این اصطلاح را به کار می برد . مقصود لنین از اصطلاح " سوسیال امپریالیسم " چیست ؟ مقصود او کاملاً واضح و روشن است . لنینیسم اپورتونیستهای را که در خدمت امپریالیسم و دفاع از کارگر می زنند اما در نوشته های خود و در اعمال خود علامه امپریالیسم و سرمایه داری خدمت می کنند ، سوسیال امپریالیست می خواند مثلاً او به کائوتسکی و دیگر رهبران تجدیدنظر طلب بین الملل دوم که می گوشتند به بهانه تطبیق حلالق مارکسیسم ، احکام اساسی مارکسیسم را تحریف کنند و یا کهنه جلوه دهند می گوید که شفافیت ادعای سوسیالیست بودن دارند . شفافیت در خدمت سوسیالیست هستند . اما در عمل به بورژوازی خدمت می کنند . بنابراین من شمار سوسیال امپریالیست می نامم . مسلم است که لنین هرگز یک نظام اقتصادی - اجتماعی ( سوسیال - امپریالیست ) را طرح نکرده و نمی توانسته هم طرح کند . چرا که ماتریالیسم تاریخی یعنی یکی از ارکان اساسی مارکسیسم ثابت می کند که پس از سرمایه داری ، پس از آنکه طیف کارگر پرولتاریا سرنگون می کند دیکتاتوری پرولتاریا را مستقر می سازد ، نظام سرمایه داری به نظام سوسیالیستی تکامل می یابد . بنابراین دردناک هیچ نظامی وجود ندارد که هم سوسیالیست باشد و هم امپریالیست و البته وقتی این را می گویم هواداران نظریه " سوسیال امپریالیسم " پوزخند عالمانه ای می زنند که حکایتی از دانش بیگران آنها می کند . آنها خیلی راحت پاسخ می دهند که مقصود ما از سوسیال اصطلاح " سوسیال " امپریالیسم " است که اینگونه دولتی ادعای سوسیالیست بودن دارند اما عملاً امپریالیست هستند . می پرسیم مقصودتان این است که در آنجا نظام

سوسیالیستی وجود ندارد بلکه نظام سرمایه داری آنهم " بالاترین مرحله سرمایه داری " استقراریافته می گویند .

بنابراین آنها دعوی کنند که کشورهای که در آنها انقلاب سوسیالیستی اتفاق افتاده و به پیروزی رسیده است مثلاً شوروی ، اینک امپریالیست هستند مثل امپریالیسم امریکایی و زعم برخی از آنها حتی بسیار خطرناکتر از آن .

عجبا ، طیف کارگر آگاه ، انقلابی و قهرمانی که به رهبری لنین و حزب بلشویک پس از سالها مبارزه ، قدرت سیاسی را تسخیر می کند و حکومت کارگران را برقرار می سازد و در طول ۴ دهه ( ۱۹۱۷-۱۹۵۷ ) گام به گام به سوی تحکیم و تکامل سوسیالیسم به پیش می نازد ، طیف کارگری که پس از انقلاب اکثریت سالها با ضد انقلاب به نبرد می آید اما دست می زند و در درازای توده ها برای تحکیم سوسیالیسم با قدرتی بی مانند صنایع سنگین شوروی را پی می ریزد . کشاورزی را با سرعتی بی نظیر مکانیزه می کند و در جنگ با مجهزترین و مخربترین ارتشی که تاریخ تاکنون به خود دیده است ، یعنی ارتش فاشیستی امپریالیزم آلمان ، بزرگترین حمله های تاریخ را پدید می آورد و برای حفظ دستاوردهای سوسیالیسم ملیونها تن کشته می دهد ، به آسانی تسلیم عده ای رویزیونیسیم می شود و خروشچف و دارو دسته ای در عرض چند سال دوباره طیف کارگر را از طبقه حاکم به طیف ای محکوم تبدیل می کنند و نظام سرمایه داری را مستقر می سازند . بدون آنکه کارگران کوچکترین اعتراضی بکنند ، مرتباً به این استدلال عالمانه :

الته آقایان به این سخن لنین که گفته است : " مادام که حصره تولید کنندگان وجود دارند امکان بازگشت سرمایه داری پس از استقرار سوسیالیسم است ، اسناد می کنند ، اما فراموش می کنند که لنین هرگز نگفته است و نمی توانسته هم بگوید که طیف کارگر با تسلیم و راضی در راه بورژوازی نفیض می کند البته لنین دیکتات

### بیست شهر در کنترل ساندنیستا :

### پیروزی های جدید جبهه آزادیبخش ساندنیستار نیکاراگوئه

در بیانیه ای که سفیر امریکایی روز جمعه منتشر کرد علناً به خبرنگاران گفت ما اوریتش در ماناگوآ تشویق سوموزا به کناره گیری است و این مطلب را پیش از دیدار سوموزا عنوان داشت .

در این بیانیه یک مقام بلند پایه نظامی در ماناگوآ گفت ارتش ( گارد ملی ) نیکاراگوئه روز جمعه واحدهایی را در منطقه تحت کنترل ساندنیست ها در امتداد مرز کستاریکا بیاده کرده است که ماوریت دارند حرکتی ساندنیست را به داخل خاک کستاریکا معسب برانند .

تاکنون تنها حامی رژیم سوموزا به شمار می رفت برای نجات رژیم و بیست و سه سرمایه داری وابسته هفته گذشته پیشنها کرد که یک دولت موقت آنتی که بعضی از مقامهای رژیم سوموزا نیز در آن عضویت داشته باشند جانشین حکومت کتونیسی نیکاراگوئه شود . به گفته مقامات دولتی در ریاست نیکاراگوئه ، سوموزا حاضر شده است تقاضای امریکا را در صورت قبول شرایط از سوی کاح سفید واشنگتن بپذیرد . این مقامات گفتند سوموزا از امریکا خواسته است قول دهد یک حکومت غیر کمونیست را جانشین حکومت ۴۴ ساله خانواده وی خواهد کرد و به کمک خود به رژیم تازه ادامه خواهد داد .

چریکهای ساندنیست که برای پایان دادن به دیکتاتوری آسانسوی سوموزا قهرمانانه می جنگند تا روزدهم تیرماه کنترل ۲۰ شهر را در این کشور به دست آورده اند . چریکهای ساندنیست روز ۵ تیرماه ضمن رد طرح امریکا برای روی کار آوردن یک دولت موقت " آنتی ملی " در نیکاراگوئه اطمینان دادند به جنگ علیه نیروهای طرفدار سوموزا تا پیروزی نهایی ادامه خواهند داد . ساندنیستاهمچنین از امریکا خواستند فوراً روابط دیپلماتیک خود را با رژیم سوموزا قطع کرده و دولت موقت آنها را به رسمیت بشناسد . لازم به یاد آوری است که دولت ایالات متحده که

برنتسین ها به مارکسیسم عاری از آنها مبارزه پارلمانی را نه به منزله یکی از وظایف مبارزه که مخصوصاً در دوران تاریخی معینی مفید است بلکه به منزله شکل عمده و تقریباً منحصر به فرد مبارزه که قهر ، تصرف و دیکتاتوری پرولتاریا را غیر لازم می شمارد مورد توجه قرار می دهند . کائوتسکی نیز ادامه دهنده راه برنتسین است ، او مخالف سرخسیت دیکتاتوری پرولتاریا و تسخیر قهرآمیز قدرت سیاسی بود . او مدعی بود که در دموکراسی بورژوازی ، طیف کارگری می تواند قدرت را از راه پارلمان تسخیر کند . او مریا از دموکراسی خالص حرف می زد و این اصل اساسی مارکسیسم را کسبه و مکرزی بورژوازی نیز در هر صورت شکلی از دیکتاتوری اقلیت بر اکثریت یا دیکتاتوری سرمایه داران بر کارگران و زحمتگان است قبول نداشت . او این واقعیت را که بورژوازی هر زمان که منافع خود را در خطر ببیند ، از چماق سرکوب خود یعنی از ارتش خود استفاده می کند و طیف کارگر را سرکوب می نماید ، انکار می کرد . کائوتسکی حزب بلشویستک و لنین را سخت مورد سرزنش قرار می داد . کائوتسکی دزخ خود به نام " انقلاب

### اعتصاب کارگران پست ایبرلند

کارگران اعتصابی اداره پست کسور ایبرلند جنوبی بعد از ۱۹ هفته اعتصاب ، موافقت کردند که از روز ۲۶ سیر ( ۲۷ ژوئن ) به سرکار خود برگردند . اعتصاب ۱۳ هزار کارگر فوق زمانی پایان یافت که نمایندگان افزایش دستمزدی برابر با ۱۹٪ را قبول کردند

اتحادیه کارگران پست در ابتدای افزایش دستمزد کرده بود ولی دولت گفته بود که قادر به پرداخت بیش از ۱۱٪ اضافه دستمزد نمی باشد . ولی کارگران با اعتصاب یکبارچه و متحد خود دولت را مجبور به عقب نشینی کرده و اضافه دستمزدی معادل ۱۹٪ به دولت قبول کردند

### رژیم موزوروا در زیمبابوه دست به کشتار انقلابیون زده است

روزیایا - زیمبابوه - در روز ۲۶ ژوئن ( ۵ تیر ) هواپیماها و هلی کوپترهای حامل کماندوهای رژیم موزوروا به یک پایگاه چریکی در حومه لوزاکا واقع در خاک زامبیا حمله کردند . آنها همچنین یک کمپ ( اردوگاه ) آوارگان واقع در ۱۲ مایلی شمال لوزاکا را به سختی بمباران کردند . پایگاه لوزاکا محل سرفرماندهی زایو ( اتحادیه خلقی افریقائی زیمبابوه ) به رهبری نکومو می باشد .

جریان حمله به این ترتیب بود که چهار هلی کوپتر نظامی که حامل کماندوها بودند در سه مایلی شمال شرقی مرکز شهر فرود آمدند و جاده ای را که به محل چریکها منتهی می شود مدت نسیک ساعت تحت کنترل گرفتند و با استفاده از تفنگهای خودکار ، مویش و نارنجک دستی

**اعتصاب کارگران در استرالیا**  
**برای آزادی رهبران سندیکاها**  
روز جمعه اول سیرماه ۱۵ میلیون کارگر استرالیایی به عنوان اعتراض به دستگیری ۱۰ تن از رهبران اتحادیه های کارگری توسط پلیس دست به اعتصاب زدند . کارگران در این اعتصاب که ۲۴ ساعت به طول انجامید تشکیل و یکبارچگی خود را برای بدست آوردن خواستهای اقتصادی - سیاسی شان به نمایش گذاشتند .

بر طبق قوانین ضد مکرانیک - ضد کارگری دولت سرمایه داری استرالیا سخنرانی در میان حضاری که تعدادشان بیش از ۳ نفر باشد " احتیاج به کسب اجازه از پلیس دارد " !!! ده تن رهبران اتحادیه های کارگری سه هفته پیش به اتهام سخنرانی در حضور کارگران بدون کسب اجازه از پلیس دستگیر شدند . کارگران تقاضای لغو قانون مزبور را کردند آنان صریحاً اعلام کردند که در صورت امتناع دولت از لغو این قانون ، دست به اعتصاب بعدی خواهند زد .

# تاریخچه جنبش کارگری جهان تشکیل اولین حکومت کارگری جهان (کمون پاریس)

قسمت دوم:

## قیام کارگران در پاریس و استقرار دولت «کمون پاریس»

سرکوب کند.

نخستین فرمان کمون این بود که ارتش دائمی از میان برود و جای آن را خلق مسلح بگیرد. سپس کمون نظام قدیمی دادگستری و پلیس را کتار گذاشت و سازمانهای حاکمیت انقلابی خلق را احداث کرد.

کمون دستگاه اداری بورژوازی را که در جهت انقیاد خلق بود، درهم شکست. قوه مجریه و قوه مقننه در شورای کمون که وظیفه اداره امور دولت را بر عهده داشت، ادغام شد. کمون نظام فربکار پارلمانی بورژوازی را لغو کرد و در عوض «کمسیون کار» به وجود آورد. شورای کمون نظام سائزالیسم دموکراتیک (مرکزگرا) را به این نحوه هر مسئله مهمی بطور دموکراتیک مورد بحث قرار می گرفت و بعد تصمیم اتخاذ شده از طرف مرکزیت (که خود در واقع جمعندی نظرم بود) به طور کامل به اجرا گذاشته می شد. اعضای کمون در عین حال که در کارهای مختلف کمسیون شرکت می کردند، به کارهای خاص حوزه انتخابی خود نیز بجا حاضر مسئولیتهائی که در مقابل رای دهندگان داشتند) رسیدگی می کردند.

به این شکل شورای کمون در پاریس کوچکت سازمان دولت نوین پرولتاریا را عرضه می کرد. کمون به منظور بازداشتن کارکنان سازمانهای اداری از سودجویی و قدرت طلبی تدابیر مهمی اتخاذ کرد. نخست اینکه اعضای کمون و کارکنان طراز اول همه انتخابی بودند. آنها در مقابل برای دهنندگان مسئولیت داشتند و در صورتیکه در عمل برای کارآموزی لیاقت نشان نمی دادند عزل می شدند. دوم اینکه حقوق های کلان قطع شده، حقوق سالانه همه افرادی که دارای متاع غلغل عمومی بودند، ۶۰۰۰ فرانک معین شد. این مبلغ برابر دستمزد یک کارگر ماهر بود. از سوی دیگر دستمزدهای پایین بطور متناسبی افزایش یافت. کمون طی امری، دولت و کلیسا را از هم جدا کرد. این امر کلیسای سلطه طلب را سخت ضعیف کرد.

در رسید امتحادی، کمون به منظور حفظ منافع اقتصادی طبقه کارگر و خلق زحمتکش تداومی اتحاد کرد. از آنجمله: کارگاهها و کارخانه هائی که کارشان متوقف شده بود، با صاحبانشان گریخته بودند، در اختیار اتحادیه های تعاونی کارگری گذاشته شدند. کارش برای افرادی که در زمانهای خود غنای شده و کارفرمایان از حریفه کردن کارگران پاکس مبلغی از دستمزدها برای ایام بیری منیع شدند. کمون همچنین چیزهائی را که افراد تنگدست در بانکهای رهنی به گس و گذاشته بودند به آنها پس داد و توسطی بحشامای مهلت باز بخت دیسون و احاره ها را تعدید کرد.

در مورد بانک فرانسه، کمون پاریس به جای آنکه این بانک را همگانی کند تسامح مالی آن برای پیشبرد انقلاب و جلوگیری از دست اندازی بورژوازی بر آن استفاده کند، آنرا همچنان دست نخورده باقی گذاشت. منسبی به این امر اکتفا کرد که مبلغ کمی پول از آن دریافت کند. در حالی که تی بر، رئیس دولت ضد انقلابی که در ورای (نزدیک پاریس) سنگر گرفته بود، بدون کوچکترین درنگی تا آنجا که توانست از پولهای این بانک استفاده کرد. پیغمبر صفحه ۱۱

در شماره قبل به اعتلای جنبش انقلابی در فرانسه در نیمه دوم قرن سوزدهم میلادی اشاره کردیم و علفی که موحبات قیام کارگران و مردم فرانسه را فراهم آورد مورد بررسی قرار گرفت. در این شماره به استقرار اولین دولت کارگری جهان (کمون پاریس) و دستاوردهای این دولت می پردازیم:

در سرگاه روز ۱۸ مارس ۱۸۷۱ میلادی (۲۷ اسفند ۱۲۵۰ هجری شمسی) تی بر رئیس دولت بورژوازی فرانسه، به ارتش ارتجاعی اش دستور داد تا مخفیانه خود راه تپه مون مارتر برساند و توپخانه گارد ملی را که در اختیار کارگران انقلابی بود، به تصرف در آورد. او در نظرس داشت از این طریق کارگران را خلق سلاح کند. در چنین وضعیتی دوره در پیش پای پرولتاریا (کارگران) پاریس قرار داشت:

۱- اطاعت از دستورات دولست و تسلیم اسلحه ها، که در این صورت انقلاب فرانسه محکوم به نابودی بود.  
۲- دست زدن به حرکت انقلابی سریع و واگرون کردن سلطه ارتجاعی و حاکمیت انقلاب فرانسه.  
۳- آنکه کارگران پاریس هم از ناحیه ارتش ارتجاعی تی بر و هم از جانسب توپخانه دولت پیروس که پشت دروازه های پاریس سنگر گرفته بود تهدیدی شدند با اینهمه بدون لحظه ای درنگ راه دوم را برگزیدند. در ساعت ۱۰ صبح ۱۸ مارس کارگران پاریس تحت رهبری کمیته مرکزی گارد ملی ارتش دولت ارتجاعی و ضد انقلابی را عقب راندند و تپه مون مارتر را به تصرف در آوردند. بعد از ظهر همان روز کارگران مسلح در نرسدی دلیرانه توانستند نقاط حساس شهر را تصرف کنند دشمن شکست خورده و متلاشی شده رو به فرار گذاشت. تی بر که خود سردسته تنبهاران و جنگ افروزان بود، وقتتی شکست رانندیک دید، سراسیمه از پاریس گریخت. مقامات بلند پایه، هیئت وزیران و فرماندهان ارتش و پلیس نیز که همه روحیه خود را از دست داده بودند به دنبال ازیاب خود فرار بر رفتن را ترجیح دادند. دولت ارتجاعی بورژوازی سقوط کرد. در آخرین ساعات روز گارد ملی کارگران "شهرداری را به اشغال در آورد و بر فراز آن برای اولین بار پرچم سرخ حکومت پرولتاریا به اهتزاز در آمد. پرچم سرخ نشانه آن بود که پرولتاریا و مردم پایتخت فرانسه با قهر انقلابی، دولت بورژوازی را سرنگون کرده اند.

### استقرار کمون و اقدامات انقلابی آن

حندروز پس از پیروزی قیام در روز ۲۳ مارس، نمایندگان منتخب مردم در هتل "دوویل" اجتماع کردند و تشکیل اولس دولت کارگری جهان یعنی کمون پاریس را رسماً اعلام کردند. بلافاصله پس از ۱۸ مارس دولت کارگری (کمون) در برخی شهرهای دیگر فرانسه نیز تشکیل شد. این شهرها عبارت بودند از لیون، ماری، سن آتن، تولوز، بریگان و گرسوت. این امر بیانگر این واقعیت بود که شرایط برای وجود آمدن کمون در سراسر فرانسه آماده بود. با وجود این کمبودها و دشواری هائی که کمون را در امر توسعه و مبارزه انقلابی در سایر نقاط داشتند باعث شده که بورژوازی بتواند بسیاری از قیامهای برانگیزه را در نقاط مختلف فرانسه

# جنبش انقلابی خلق نیکاراگوئه در آستانه پیروزی

اعتصابات متعدد بود. که بر علیه کمیته های امریکائی سه و فوج بیوست. پس از آنکه انتخابات سال ۱۹۲۴ تحت نظارت ایالات متحده انجام گرفت و سه سروری لیسرال هانمگر کسب سران نیروی دریائی امریکا موما اینکاراگوئه خارج شدند اما کودتای محافظه کاران در سال ۱۹۲۶ به شورش لیسرالیسی زیر عنوان طرفداران قانون اساسی و تحت رهبری ژنرال خوزه ماریا مونگادا "منجر گردید. و سران امریکائی باردیگر جهت حمایت از بورژوازی محافظه کار نیکاراگوئه را مورد تجاوز قرار دادند. اما سرانجام، ایالات متحده، ناتوان از مغلوب کردن

یکی دیگر از ستونهای امپریالیسم امریکا فرومی ریزد. مردم فیرمان نیکاراگوئه می روند تا "آساناسو سوموزا" دیکتاتور دست نشاند امریکا را روانه زباله دان تاریخ سازد. خانواده سوموزا که ۴۴ سال پیش توسط امریکا در نیکاراگوئه به قدرت رسید، در این مد با حمایت امپریالیسم امریکا در نهایت دیکتاتوری در آن کشور حکومت کرده و دست به چپاول اموال و تروپ ملی خلق نیکاراگوئه زده است. اکنون مبارزه مسلحانه مردم نیکاراگوئه به رهبری حبه آزادسخت ساندینیستا وارد مرحله نهایی برای سرنگونی رژیم سوموزا شده است. انقلابیون، محضیهای وسیعی از کشور آزاد کرده اند و آخرین سنگرهای ارتش ضد خلقی سوموزا یعنی گارد ملی دار فرومی ریزد. امریکائیه از نیکاراگوئه فرار می کند. آساناسو سوموزا خواستار حمایت بیشتر امریکاد مقابل به داخلی نیکاراگوئه است. سوموزا می گوید سالیهاست "دوست" امریکاده و با کمیسر ما رزه کرده است. او فریاد می زند: "طعمان مردم ملهم از کمونیستها است". آمریکا نگران سرباز بودادهای نیکاراگوئه به کشورهای همسایه است... داستانی است آساناسو ولی اسرار هزاران کلومتر دورتر. پیش آهنگان خلق در سرد یادگناوری سرسیده امپریالیسم برمی حسد. حماسه های آفریننده مبارزه نموده ای می شود، ارتش ضد خلقی می کند و سرانجام درهم می ریزد. امریکائیه فرار می کند...

### استقرار استعمار نو در نیکاراگوئه

بررسی مختصری که در اینجا از اوضاع اقتصادی-اجتماعی نیکاراگوئه و تاریخچه مبارزات خلق نیکاراگوئه به عمل آمده است، تماماً بر اساس سندینیستا که "حبه ساندینیستا برای آزادی ملی" در ۴ ماهه ۱۹۷۷ تحت عنوان "در باره برنامه عمومی سیاسی- نظامی حبه ساندینیستا برای آزادی ملی" تدوین گردیده است:

مبارزات کنونی خلق نیکاراگوئه یکی از انقلابی ترین مبارزات تاریخی آنهاست که توسط س آ ه، تاریخی شان "حبه آزادسخت ساندینیستا" (F.S.L.N) متحد و رهبری شده است. انقلاب خلق نیکاراگوئه از رطین سنت مبارزات رهائی بخش مهب برسان بر علیه گسترش نفوسد بانکی هادرفرن نورد هم و تسلط امپریالیسم در قرن بیستم بیرون می آید.

نیکاراگوئه، که همراه با سایر کشورهای امریکای لاتین قربانی تسلط اسپانیولی ها بود، پس از چهار قرن از تسامح و استعمار خارجی رنج برده است. این کشور پس از کسب استقلال از استعمارگران اسپانیایی در سال ۱۸۲۱ یکسری از نخستین قربانیان تجاوز ساسی ایالات متحده و سرمایه داری نوخاسته امریکا بود. نیکاراگوئه با داسن نیروی کار ارزان، منابع طبیعی سرشار و وجود قوانین ارقبل حق نامحدود ترکنشهای امپریالیستی برای صدور سرمایه، کسب سود و آزادی حاصروج سود و سرمایه از کشور، محرمانه بودن سرمایه گذاری ها و معاملات خارجی و امکانات وسیع اعتبارات بانکی زمینه بسیار مناسبی برای سرمایه گذاری خارجی با ارزشی در حدود دو بیست میلیون دلار با تقریباً ۱۵۰۰ میلیون ریال (که حدود ۸۰ درصد آن امریکائی است) در نیکاراگوئه بخصوص در صنایع کشاورزی، محصولات غذایی، بانکها، مواد شیمیایی، جنگلداری، معادن و حمل و نقل متمرکز است. نزدیک به صد شرکت و موسسه خارجی در نیکاراگوئه سرمایه گذاری کرده اند. حدود ۷۵ درصد واردات نیکاراگوئه که بطور عمده ماشین آلات، مواد سوختی و تولیدات صنعتی است، از امریکا وارد می شود و صنایع این کشور رشد وابسته به امپریالیسم، به ویژه امپریالیسم امریکاست. وابستگی اقتصادی نیکاراگوئه به وابستگی نظامی سیاسی این کشور به امپریالیسم است. پس از آنکه در سال ۱۹۳۳ اشغال مستقیم نیکاراگوئه به وسیله سران امریکائی پایان یافت، طبق برنامه طرح شده به وسیله امریکا "گارد ملی" به فرماندهی آساناسو سوموزا گارسیا ایجاد گشت و او در سال ۱۹۳۶ دست به یک کودتا دو حاکم مطلق نیکاراگوئه شد. بدین ترتیب امپریالیسم امریکا سلطه خود را بر این کشور حفظ کرد و آنرا از طریق شوه استعمار نود طول ۴ دهه تحکیم بحشد ۱۵۶۷۰ افسر و سرباز نیکاراگوئه ای بن سالیهای ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۶ توسط مستشاران امریکائی تعلیم دیدند.

رژیم سوموزا مبلغی بیش از ۲۹ میلیون دلار (حدود ۲۲۰۰ میلیون ریال) از درآمدهای خلق زحمتکش نیکاراگوئه را در ازای دریافت سلاحهای مرکب، آموزش نظامی افسران و سایر مخارج نظامی، به انحصارات امریکائی پرداخته است. این مبلغ با توجه به آنکه نیکاراگوئه کشور کوچکی است، سرسام آور است.

### تاریخچه مبارزات خلق نیکاراگوئه

در سال ۱۹۰۹، "زالانا" که حکومت را در نیکاراگوئه به دست داشت، به سبب آنکه بر سر تاسیس یک کانال احتیالی میان اقیانوس آرام و اطلس با زاین به توافق رسیده بود در عین حال جهت دریافت یک وام قابل ملاحظه با انگلستان به مذاکره پرداخته بود، توسط امریکاهای اوشخصی به نام "دباز" از جناح محافظه کار بورژوازی که سخت طرفدار امریکا بود، بر سر کار آمد. از سال ۱۹۰۹ تا ۱۹۱۲ نیکاراگوئه صحنه جنگ بین بورژوازی لیسرال و محافظه کار بود و سرانجام م بورژوازی محافظه کار با کمک ۲۷۰۰ تنگدار دریائی امریکائی موفق به سرکوب لیسرال ها گشت. باین حال در فاصله سالیهای ۱۹۱۳ تا ۱۹۲۴ نیکاراگوئه صحنه چندین قیام مسلحانه و



اگوستینو ساندینو (نفر وسط) رهبر اولین نیروی چریکی که علیه تجاوز بانکی های امریکائی به نیرد پرداخته شد.

لیسرالها، ناگزیر به مذاکره و امضا موافقت نامه صلح شد نیروهای خلق و نیروهای پرولتری که به رهبری آگوستو سزار ساندینو نقش تعیین کننده ای در مبارزات داشتند حواستار ادامه این مبارزه ضد امپریالیستی و طبقاتی بودند و این رو به مبارزه خود ادامه دادند. در حالیکه بورژوازی لیسرال سارماهت طبقاتیش به همکاری با بورژوازی محافظه کار و امپریالیسم پرداخت، از یکسو لیسرالها به رهبری زسرال "مونگادا" با نظارت امریکایرانتخابات سال ۱۹۲۸ بواسطی کردند و از سوی دیگر چریکهای ضد امپریالیست "ساندینو" به برداشته دادند و سرانجام در سال ۱۹۳۳ موفق به بیرون راندن امپریالیسم امریکا گشتند. این اولین "بیتام" امریکا بود.

"دولت" امریکاه که از غلبه بر نیروهای "ساندینو" حداربط نظامی و چه از نظر سیاسی ناتوان بود، با حکومت محصور به خارج کردن سربازان خود شد. با حل تضاد عمده و بیرون راندن متجاوزین بانکی در سال ۱۹۳۳ محور مبارزه از اشکال مسلحانه به اشکال سیاسی غیرمسلحانه تغییر پیدا کرد. جنبش انقلابی به رهبری ساندینو "طرح مبارزه ای سیاسی را برای ساختن یک قدرت انسانی و مادی ریخت که در آینده بتواند پیروزی نظامی را همراه با پیروزی سیاسی و اقتصادی بر نیروهای ارتجاعی محلی که تحت حمایت امپریالیسم امریکای بودند، بدست آورد. امپریالیسم و ارتجاع داخلی در فوریه سال ۱۹۳۴ ساندینو را به قتل رساندند. در شرایطی که طبقه کارگر نیکاراگوئه عمدتاً بخاطر توسعه نیافتگی اقتصاد کشور، و پائین بودن سطح سازمان یافتگی و آگاهی طبقه، رشادندی کرده بود، فعدان بگریه جمعی و محدود شدن رهبری این مبارزه به یک تن یعنی "ساندینو" صدمه بزرگی بر پیشک جنبش انقلابی خلق وارد آورد. در آن زمان در حالیکه شکل عمده سازماندهی خلق در حبه نظامی بود، اینکه نتوان ترکیبی از هر دو شکل ساسی می نمود. در صحنه بین المللی نیز بانکی هائی که سساری از فرزندان خلق نیکاراگوئه را کشتار کرده بودند، به معالسه با تهدید فاشیسم آلمانی- ایتالیائی - ژاپنی - نه نیروهای متحدین ملحق شدند و برای ایالات متحده اعتراضی دست و پا می کردند.

این شرایط داخلی و خارجی عمدتاً موجب شده که انقلاب نودهای ساندینیستا در فاصله سالیهای ۱۹۳۴ تا ۱۹۳۶ رو به افول برود.

اگرچه رهبری مبارزات ضد امپریالیستی - صدارتجاع داخلی، از سال ۱۹۳۴ به یک عقب نشینی تدریجی تن داد، لیکن مبارزات خود به خودی نموده ها از حرکت باز ایستاد از مبارزات بی شمار خلق بین سالیهای ۱۹۳۴-۱۹۵۶ می توان از تظاهرات روز اول ماه مه ۱۹۳۵، به وسیله "گارد ملی" سرکوب شد، اعتصاب نودهای سال ۱۹۳۶ بر علیه افزایش قیمت نفت، عملیات مسلحانه کارگران لاستیک سازی در نواحی جنوبی نیکاراگوئه در سالیهای ۱۹۴۴-۱۹۴۸، مبارزات کارگران معادن، قیامهای دهقانی، مبارزات دانشجویی ضد سوموزا در سال ۱۹۴۴ و جنبش مسلحانه ۱۹۵۴ نام برد.

ادامه دارد



# اتحادیه واتحادیه سازی

بقیه از صفحه ۱

سند یکادریک تشکیلات واحد است. به عبارت دیگر: اتحادیه سندیکاهای در طول چند ماه اخیر همیشه بحث هایی بین کارگران سازمانهای مختلف در این مورد وجود داشته است موضوع یکی از این بحث ها این بوده است که سندیکاهای چگونه متحد می شوند و اتحادیه به وجود می آورند؟

در این مورد دو نظر پیش از همه شهرت دارد:

۱- تعدادی از نمایندگان سندیکاهای توسط یک سازمان سیاسی دوره جمع می شوند و ضمن بحث و گفتگو تصمیم می گیرند که اتحادیه بی بوجود آورند و سپس اعلام موجودیت می کنند. این نظریه به اتحادیه "از بالا" معروف است. اما وقتی از اینها پرسیدند که در واقع چه تعداد از اعضای این سندیکاهای این اتحادیه موافق و همراهند؟ و مهمترین نکته آنجا که سندیکاهای مشترک با کارگران دیگر سندیکاهای خواهند داد، آنها جوابی ندارند که به شما بدهند. حتی بعضی از سازمانها بلند پروازی را تا به آن حد می رسانند که یکباره می خواهند از درون همین "کارخانه اتحادیه سازی" اتحادیه سراسری "بیرون بدهند و عجب احساسات به نام ناکامی هائی که در این رهنه داشته اند تا بهم بر همین نظر اصرار می ورزند.

۲- کارگران آگاه و نمایندگان سندیکا (در جریان مبارزه سندیکاییه کاروما) میان مبارزه خودمختار و کارگران کارخانه های دیگری که یکسوز کالاتولدی کند و شرایط کار مناسب و حواستها و گرفتاریهای مشابه دارند پیوند برقرار می کنند و به نوده کارگران نشان می دهند. اعلام همبستگی ها همگاری ها و همراهی های کارگران و نمایندگان آنها و کارگران آگاه از یکطرف و توطئه های مشابه سرمایه داران علیه کارگران از طرف دیگر، باعث می شود که در عمل، زمینه یکی شدن و اتحاد فراهم شود. آنگاه این سندیکاهای هم نزدیک می شوند، یکی می شوند و "اتحادیه" را به وجود می آورند. در این مسر مسلما اعتماد کارگران به نمایندگان خود در رابطه با مبارزه مشترک آنها و کارگران کارخانه های دیگر از این می باید. علاوه بر کارگران، نمایندگان و کارگران مبارز آن کارخانه ها را خواهند شناخت و زمینه برای وحدت عمل در مبارزه مشترک فراهم می شود. طبق این نظر ابتدا چند سندیکاهای تولید مشابهی (یک رشته تولیدی) و در یک منطقه واقع شده اند، با هم یکی می شوند. مثلا سندیکاهای تاسیساتی

تتشابه شرایط کار و خواستها و گرفتاری های این کارگران، با دیگر کارخانه های تولیدکننده کبریت شهر تبریز، از جمله کارخانه "ممتاز" و "تبریز" موجب آن شد که نمایندگان شورای کارگران کارخانه تولیدکننده کبریت شکل کارگری محکم است. به همین سبب اتحادیه سراسری کارگری کارخانه را با انتخاب نمایندگان مبارز و آگاه به منافع طبقاتی کارگران ایجاد نمودند. نخستین اقدام شورا تصفیه کارخانه از عناصر ضد کارگری بود. آنگاه کارگرانی را که سابقا کارفرما یا فشار و زور سرنیزه اخراج کرده بوده به کارخانه بازگرداندند.

نتیجه این جلسات ایجاد اتحادیه کارگران کارخانجات کبریت-نوپهان و موریکاسازی توکلی تبریز شد و عملا نشان داد که مبارزه مشترک و آگاهی نمایندگان آنان زمینه وحدت و ایجاد اتحادیه کارگران را فراهم می آورد.

نتیجه این جلسات ایجاد اتحادیه کارگران کارخانجات کبریت-نوپهان و موریکاسازی توکلی تبریز شد و عملا نشان داد که مبارزه مشترک و آگاهی نمایندگان آنان زمینه وحدت و ایجاد اتحادیه کارگران را فراهم می آورد.

## تاریخچه جنبش کارگری

### تشکیل اولین دولت ...

این جنبش سرحدوری نشان می دهد که طبقه کارگر فرانسوی و جنبش کارگری درجهان هنوز به درجه کافی از رشد و بلوغ سیاسی و تجربه نرسیده بود. همین امر یکی از علل شکست کمون پاریس بود.

کمون پاریس با اجرا گذاشتن اصول انترناسیونالیسم پرولتری (همبستگی بین المللی کارگران) طبقه کارگر و انقلابیون همه کشورها را در پیروان خود متحد کرد و تعدادی از رهبران اثر از میان بهترین آنها برگزید. از سوی دیگر کمون طی فرمانی دستور تخریب ستون و اندوم را که سمبل شوینسم (مبهن پرستی افراطی) بورژوازی دولتی پاریس بود، صادر کرد. زحمتکشان پاریس، در شرایط فور-العاده سخت و پیچیده چرخهای ماشین دولتی پرولتاریا را با کار انداختند. کمون پاریس جامعه کهن را کاملاً درگون کرد. سیمای پاریس را بطور ریشه ای تغییر داد و فضای جدیدی سرشار از دوستی و اعتماد

## در جامعه طبقاتی ...

بقیه از صفحه ۱۲

بندرت گرفتار آن می شوند. بیماری کمبود غذا و سوء تغذیه بیماری رایج نوده های روستایی کارگران و زحمتکشان شهری ماست. طوریکه در بسیاری نقاط طول متوسط عمر زحمتکش ایرانی (یعنی معدل طول عمر زحمتکشان آن منطقه) کمتر از ۳۵ سال است. در حالیکه سرمایه دارها و همدستان و کارگران آنها در اوضاع دستگاها و اداری و سرکوبگر نظامی طول متوسط عمرشان بین ۶۰ تا ۷۰ سال است و معمولا گرفتار نفوس و بیماری قندی می شوند که از بیماریهای طبقات مرفه است و به ترتیب در اثر خوردن زیاد از حد گوشت و مواد قندی و چربی بروز می کند. علاوه بر این افراد در اثر عوارض برخوردی مثل سکت قلبی ناشی از چربی بالا چاقی و کم حرکتی می میرند. انواع بیماریهای انگلی (مثل گرمک، گرم خونخوار، گرم کدو و...) و انواع بیماریهای عفونی (مثل مننژیت و جذام و تراخوم و...) در روستاها و شهرهای ایران بیداد می کند و میلیونها نفر از زحمتکشان را به کم حونی و ضعف، درد و عذاب دائمی دچار می کند. به علاوه اصلاحات ارضی شاه و آواره شدن روستائیان و رشد حاشیه نشینی و زندگی در زاعه های بیمارهای جدید روانی و گوارشی (مثل اضطراب، سوء هاضمه و زخم معده و روده) در نتیجه از هم پاشیده شدن کانون خانوادگی روستائیان پیدا شده است.

از طرف دیگر افتخار تازه سدوران رسیده ای مثل واسطه ها و دلالها و وارد کنندگان کالاها و خارجی معیارهای جدیدی در خدمات پزشکی وارد کرده اند. آنها، آنجا که بسیار نازک نازنج هستند کادریهای پزشکی زیادی در رشته های فوق تخصصی ولوکس برای معاینات دوره ای، بیماریهای نادر و غیر قابل علاج و یا صرفا بعنوان پیشکار مراکز درمانی خارج برای رفع احتیاجات طبقه و افشار و ابسته خود بوجود آورده اند.

این مثال ها روشن می کنند که ایجاد بیماریها رابطه مستقیم وجود نداشتن با شرایط زندگی بیماران دارد و کلید موفقیت در مبارزه با بیماریها در پیشگیری آنهاست. و پیشگیری نیز به شرایط اساسی "در شرایط کار، مسکن، تغذیه و استراحت کافی و آموزش بهداشتی همگانی وابسته است و سیاست های درمانی ملکت جدا از وضعیت بخشهای مختلف اقتصادی و مدیران عملکرد انقلابی دولتها در رابطه با آنها نمی تواند باشد.

به مصرف همین جا برسانند وضعیت زمین و صاحب آن

صاحب این زمین بایر عینی شهید زاده گودرزی و وکیل دادگستری است که این زمین را نیز بابت وکالت گرفته است. ابتدای زمین را به کارخانه لاستیک سازی و روغن سازی احاره داده بود که این کارخانه ها برای جوشاندن لاستیک و روغن از آن استفاده می کردند. بوی لاستیک و روغن سوخته سالها مردم محله را آزار می داد و بعد از یکسال شکایت توانستند زمین را از اجاره این کارخانه در آورند اما بعد از توافقی نکرد چرا که این زمین تبدیل به زباله دانی و پناهگاهی برای معتادان گردید و از این طریق موجب آلودگی و مزاحمت اهالی را فراهم نمود. صاحب زمین با شهرداری وابسته بود. زیرا وقتی قرار شد خندان بیست و دو نظام آباد به سمتری تبدیل شود این قسمت تعریف شده و به علت تنگ بودن خیابان در این قسمت چند بچه در اثر تصادف با ماشین از زمین رفتند.

به گفته مردم محل شهید زاده یک زمیندار ثروتمند است که به علت روابطش با رژیم گذشته زمینهای زیادی به چنگ آورده است. از جمله مقدار زیادی زمین در همین حوالی دارد. بگویم مقدار زیادی زمینهای بنیاد پهلوی هم متعلق به اوست که حاضر به فروش آنها به دولت نمی باشد. مردم با توجه به همه این دلایل صادره زمین را واجب انقلابی می دانستند، اما شهید زاده اقدام به دیوار کشی زمین کرد تا شاید جلوی صادره زمین را از سوی مردم بگیرد.

## صندوق بیکاری ...

بقیه از صفحه ۱۲

برای نمونه در انگلستان که جنبش سندیکایی کارگران سابقه طولانی دارد، کارگران از طریق مبارزات صنفی خود توانسته اند مسئله حقوق ایام بیکاری را به دولت سرمایه داری انگلستان تحمیل کنند. در این کشور معیشت خانوادگی بیکاران از دو طریق تامین می شود:

۱- به وسیله مقرری هفتگی که بابت حق بیکاری دریافت می کنند که مبلغ آن مطابق تعرفه معین و ثابتی است که بنا بر تعداد عائله بیکار تنظیم شده است. در صورتی که فرد آماده برای کار باشد و نام خود را در دفتر مخصوص بیکاران در هر محل ثبت کند تا زمانی که کاری بدست نیاید، با دولت برای ایجاد اشتغال نگردد باشد. این مقرری بیکاری به او پرداخت خواهد شد.

۲- علاوه بر مورد اول، تنوع دیگری پرداخت کمک مالی به بیکاران متداول است که "تامین اجتماعی" نامیده می شود. "تامین اجتماعی" به مفهوم این است که اگر مقرری حق بیکاری نتواند حداقل معیشت بیکار خانواده را تامین کند مبلغی اضافی به او پرداخت شود. به این ترتیب که با توجه به مخارجی که یک خانواده دارد از جمله مخارج خوراک، پوشاک و مایحتاج ضروری زندگی، اجاره بها و ایام خانه تعمیراتی که فرد دارد... در صورتی که حق بیکاری کفاف این مخارج را نکند مبلغی اضافه پرداخت خواهد شد. لازم به یاد آوری است که این مبلغ اضافی تنها برای مدت محدودی پرداخت می شود یعنی حداکثر برای ۶ ماه. شکی نیست که پرداخت این مقرری ها تنها در حواس معیشت بیکاری داری (که بیکاری حالت حملت ذاتی نظام اقتصادی و اجتماعی را دارد) امری ناگزیر است و دولتها مجبور شده اند در مقابل بیکاری کارگران چنین ترتیبی را در نظر بگیرند و در نظام سوسیالیستی اصولا بیکاری وجود ندارد و بنا بر این ضرورتی هم برای وضع چنین مقرراتی نیست.

در ایران با وجود آنکه همیشه و در هر زمان تعداد زیادی بیکار وجود داشته اما از مقرری ایام بیکاری خبری نبوده است. در گذشته هرگاه کارگران خواسته اند برای کسب چنین حقوقی دست به تشکیل سندیکا و اتحادیه های صنفی بزنند با سرکوب رژیم روبرو شده اند. در حالیکه این از حقوق اولیه هر انسان است. در حال حاضر دو میلیون بیکار در ایران وجود دارد. این بیکاران هر کدام دارای عائله یعنی زن و بچه و پدر و

پسر و از کار افتاده هستند. تاکنون اس بیکاران به طرق مختلف (نمیس، راهپیمایی، مراجعه به وزارت کار و ادارات تابعه آن و مراجعه به مقامات مسئول) برای روشن شدن وضع خود اقدام کرده اند ولی تاکنون راه حل مناسبی به آنان ارائه نشده است. در مواردی هم مثلا در اصفهان، باکمال سیرمی پاسخ حواسته های برخی آنان را با کمال بی توجهی داده اند. تاکنون حد اکثر پاسخی که به این مشکل داده شده، دادن وام محتمری به این بیکاران از طرف دولت بوده است. آن هم مبلغی که به هیچوجه مناسب یا مخارج سرسام آور کثونی نیست. تاکنون کارگران از روی ناچار و نگرستی این سه اصطلاح کمک را به نام وام قبول کرده اند و اگر به هر نام دیگری هم بود ناچار بودند قبول کنند. اما ما از دولت سوال می کنیم کدام کارگری است که می تواند اس وام را پس دهد؟ مگر کارگر هنگامی هم که کار می کند قادر است از حقوق ناچار خود بی اندازد کند؟ مگر کارفرمایان طمع استعمارگر جقدر به کارگران مردمی دهند؟ بنا بر این پرداخت مقرری ناچار به بیکاران بعنوان "وام" حملی آنگار در حمتکشان میس ماست.

کارگران و زحمتکشان میس ما اس راحق خود می دانند که به حای "وام" بیکاری از حقوق ایام بیکاری اسفاده کنند. باید صدوقی به نام صدوق بیکاری وجود داشته باشد و معیار کسای که به هر علتی بیکار شده اند برای اولی سارد حستجوی کار هسند مقرری مناسب با تعداد عائله آنان پرداخت شود. اس صدوق باید اس مقرری بلا عوص را سا وقتی که فرد به کاری مسول نشده ادولت برای او کار پیدا کند، بپردازد.

انظر مردم میس ما ما اس برای بیکاران ایجاد اشتغال سود نا اسکه سهمی از درآمدهای ملی که متعلق به تمام مردم ایران است نارمانی که برای بیکاران کاری نیست پرداخت آن گداشته شود انجام این امر از طریق ایجاد صدوق بیکاری دائمی با بودجه کافی امکان پذیر اس. در این مورد ضروری اس که تنظیم مقررات این صدوق و تعرفه مقرری های ایام بیکاری با شرکت نمایندگان شورا های کارگران صورت پذیرد تا خود اس صدوق بتواند جوابگوی شرایط حال و آتی کارگران و زحمتکشان و سایر افشار جامعه در هنگام بیکاری باشد. ضمن آنکه مسئولیت دولت در مقابل مردم ایجاد اشتغال برای بیکاران اس.

## مردم محله نظام آباد ...

بقیه از صفحه ۱۲

بازورگوبان مبارزه می کنیم. وقتی چگونگی صادره زمین سوال کردیم یکی از اهالی گفت:

مردم برای صادره انقلابی این زمین جلسات متعددی داشته اند و قطعنامه ای صادر کرده اند که سن آن چنین است:

"زمینخواران دوران طاغوت هنوز هم در رویای پولهای باد آورده اند، و صدای مهیب انقلاب پیروزمند مردم گویی هنوز بیدارشان نکرده است. این منطقه با داشتن جمعیتی بیش از سیصد هزار نفر از داشتن ابتدائی ترس امکانات ورزشی و فضای سبزی بهره است و چندین هزار متر زمین بایر متعلق به مردم که زمینخوار با نیرنگ و قوایش دوران طاغوت غصب نموده، از مغانی جبر زباله و کثافت و مرضی نداشته است. ملت ما بخواهی با روشی از زمینخواران آشنا هستند و دیگر اجازت بهی دهند آنها خون مردم را بکشند. پس از اینهمه مبارزه و خون دادن هاتاز مالک میلیاردر آن به فکر افتاده با کشیدن حصار به دوران طلایی زمینخواری خود بیاندیشند در حالیکه طاغوت به زباله دان تاریخ افتاده است. مردم! زمینخواری دسسه است. اینجاست که به کمک و همت یک یک شما نیازمندیم. به فرزندان کوچک و بی گناهمان ببیند بشم و دسیسه های زمینخواری را بشناسیم. به امید ساختن محیطی سالم برای فرزندانمان بعد از ۲۵ سال کثافت و تعفن و مرض"

ما موفق نشدیم همین دلیل به دادر اس شکایت کرده و داد سراز طریق کمیته رسیدگی به مسئله را آغاز کرده است. کمیته در مقابل این پاسخ از سوی مردم روبرو شده که چون این شخص زمینهای زیادی را با زور چوب و چماق غصب کرده، صادره زمینهای چنین آدمی حقی طبیعی مردم محل است.

اما کمیته می گوید اگر صادره زمین شرعی هم باشد، ابتکار به عهده بنیاد مستضعفین است و این بنیاد همچنین زمینهای را به خانه سازی اختصاص می دهد. ولی مردم می گویند "مستضعفان" تنها نیاز به خانه ندارند داشتن پارک هم یکی از نیازهای آنان است. و به این ترتیب در حالیکه ساختمان پارک هر روز کاملتر می شود اختلاف بین مردم محل، کمیته و صاحب زمین "شهید زاده" نیز بیشتر می شود.

بچه ها چه می گویند؟

بچه های که دست از بازی کشیده و دور ما جمع شده بودند وقتی فهمیدند که از "روزنامه کار" آمده ایم با اشتیاق بیشتری به سئوالها ما جواب می دادند. یکی از بچه ها که پرسی سیزده چهارده ساله بود گفت:

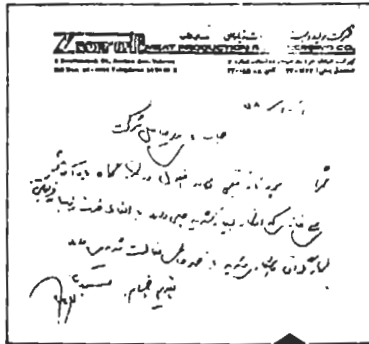
# همه مستشاران خارجی باید اخراج گردند



# دو نمونه از توطئه‌های کارفرما علیه کارگران

بروجود آورد. نامه‌هایی که اوبه مدیر عامل نوشته است از بهترین نمونه‌های این نفاق افکنی‌هاست. نکته جالب توجه در این نامه‌ها این است که شخص مذکور در نامه‌ها صریحا اشاره می‌کند که آقای... که "مقاید چینی دارد" برای کارگاه و برای کشور مضر می‌باشد. و نیز اینکه "کارگرم که شعور ندارد که بفهمد وبالفاظ خوب و زیبا تحریک می‌شود". لازم به یادآوری است که ایشان در زمان سلطنت کشف پهلوی کارگران را بدست خویش کتک می‌زدند و به عناوین مختلف مورد اهانت قرار می‌داده است.

کارخانه شرکت تولید و بسته‌بندی گوشت زبیران در یک کیلومتر ۴۵ جاده کرج - قزوین قرار دارد. در این شرکت نیز همانند سایر کارخانه‌ها شورائیسی از نمایندگان کارگران و کارمندان برای تحقیق بخشیدن به خواسته‌های حق کارکنان تشکیل شده که از همان ابتدا با کارشناسی رئیس کارخانه و عوامل سرسپرده وی روبرو گردیده است. تاکنون شورا بکار خویش ادامه داده و حقوق حقه کارگران و کارمندان را (مانند حق مسکن، حق اولاد، خوارو بار و مهدی) با فشار از شرکت گرفته‌اند. همچنین نحوه فروش فرآورده‌ها را تغییر داده‌اند و آنها را که با قیمت بسیار ناچیزی در اختیار نور چشمی‌های گذاشته‌اند. در این کارخانه روز به روز می‌رسانند. یکی از خواسته‌های کارکنان این شرکت اخراج رئیس کارگاه است که در یکی از جلسات شورای کارکنان مورد تصویب قرار گرفت. لیکن رئیس کارگاه دست به یک حیلّه کثیف زده است که به این ترتیب که در نظر دارد بعضی از کارگران را با پول بخرد و بکک ابادی خود سدی در برابر شورا



جناب آقای مدیر عامل شرکت محترما پیرو نامه قبلی در مورد اخراج در کارگاه یادآوری شود آقای علی‌غازی که افکار بسیار شدید چینی دارد با الفاظ خوب و زیبا در فریفتن کارگران و همکاران خود با صمد صالحمی فعالیت شدید دارد.

بانتقدیم احترام -  
محرمه  
مدیریت محترم شرکت گوشت زبیران  
محترما معروض می‌دارد پس از تماس تلفنی با کارگران در مورد پرداخت هزینه مسکن و سایر مزایا صحبت شد. در ساعت ۱۲ عده‌ای از کارگران مراجعه نمودند و طبق اطلاع‌هایی که وسیله آقای کاهن کارمند فروش شرکت... به کارگاه آمده است داده شد. قرار است به کارمندان مبلغ هفت هزار ریال و به کارگران چهار هزار ریال پرداخت شود و ما به این عمل اعتراض داریم. به هر طریق بود متقاعد نمودیم روانه کارخانه کردم. در ساعت ۱۳/۳۰ بعد از ظهر کلیه کارگران جلو دفتر اجتماع نموده و آقای علی‌غازی کارمند حسابداری که عقاید چینی دارد اظهار داشت بقرار اطلاع قرار شده به کارمندان ۷۰۰۰ ریال و به کارگران ۴۰۰۰ ریال پرداخت شود و این عمل درست نیست و من گفته‌ام باید ۷۰۰۰ ریال با ۴۰۰۰ ریال جمع شده نصف شود و به همه پرداخت شود و کلیه کارگران را تحریک می‌نمود. کارگرم که شعور ندارد که بفهمد طرف چه مقصدی دارد و من فکرمی کنم به همین دلیل... نشود چون وجود این قبیل اشخاص در کارگاه و کشور مضر می‌باشد. مقتضی است در این مورد اقدام شایسته‌ای بعمل آید تا بتدریج نسبت به چند نفر افرادی که با ایشان همکاری دارند تصمیم گرفته شود.

**Ziaronl MEAT PRODUCTION & PROCESSING CO.**  
P.O. Box 441004 Tehran Cable: MEATZIAN  
تولید و بسته‌بندی گوشت زبیران  
محل دفتر: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۸  
تلفن: ۳۸۳۳۳۳  
مدیریت محترم شرکت گوشت زبیران  
جناب آقای مدیر عامل شرکت محترما پیرو نامه قبلی در مورد اخراج در کارگاه یادآوری شود آقای علی‌غازی که افکار بسیار شدید چینی دارد با الفاظ خوب و زیبا در فریفتن کارگران و همکاران خود با صمد صالحمی فعالیت شدید دارد.

## صندوق بیکاری باید حداقل معیشت کارگران و زحمتکشان بیکار را تأمین کند

بطور موقتی و کوتاه مدت به مشکل کارگران بیکار پاسخ دهد.  
کارگران جهان طی بیش از دو قرن با مبارزات و بعنوان جز جدایی‌ناپذیر آن بوجود آمدن قانونی برای نظام همواره با آن همراه خواهد بود. آنچه که موجد بیکاری دو میلیون نفر نیروی فعال جامعه مارافراه آورده است، علاوه بر علل اقتصادی نظام سرمایه‌داری به مسائل دیگری نیز مربوط می‌شود که زائیده وضع خاص اقتصادی-اجتماعی کشور است. مادر گذشته درباره مسئله بیکاری در کشورمان و علل آن سخن گفته ایم و در اینجا قصد نداریم مجدداً به آن بپردازیم. تنها بازم تأکید می‌کنیم که ریشه کن کردن بیکاری تنها با ریشه کن شدن نظام سرمایه‌داری میسر است و تا هنگامی که این سیستم پانچاست و بهره‌کشی فرد از فرد برقرار است جامعه از شر بیکاری در امان نخواهد بود. در حالیکه تجربه خلقهای آزاد شده از قدهای امپریالیسم وستم طبقاتی، نظیر خلق ویتنام، این مسئله را به روشنی ثابت می‌کند که در جوامع سوسیالیستی از بیکاری خبری نیست.

بیکاری یکی از عوارض جامعه سرمایه‌داری است. بارش و تکامل سرمایه‌داری بیکاری نیز مانند دیگر عوارض این نظام و بعنوان جز جدایی‌ناپذیر آن بوجود آمدن قانونی برای نظام همواره با آن همراه خواهد بود. آنچه که موجد بیکاری دو میلیون نفر نیروی فعال جامعه مارافراه آورده است، علاوه بر علل اقتصادی نظام سرمایه‌داری به مسائل دیگری نیز مربوط می‌شود که زائیده وضع خاص اقتصادی-اجتماعی کشور است. مادر گذشته درباره مسئله بیکاری در کشورمان و علل آن سخن گفته ایم و در اینجا قصد نداریم مجدداً به آن بپردازیم. تنها بازم تأکید می‌کنیم که ریشه کن کردن بیکاری تنها با ریشه کن شدن نظام سرمایه‌داری میسر است و تا هنگامی که این سیستم پانچاست و بهره‌کشی فرد از فرد برقرار است جامعه از شر بیکاری در امان نخواهد بود. در حالیکه تجربه خلقهای آزاد شده از قدهای امپریالیسم وستم طبقاتی، نظیر خلق ویتنام، این مسئله را به روشنی ثابت می‌کند که در جوامع سوسیالیستی از بیکاری خبری نیست.



مادران شهدای فدائی خلق در مراسم بزرگداشت ۸ تیر در دانشگاه تهران برای خلق قهرمان ایران پیام می‌فرستند.

## مردم محله نظام آباد ۱۵ هزار متر زمین یک زمینخوار را مصادره کردند

شد و تعدادی درخت و وسایل بازی در آن قرار داده شد. مردم پس از تصاحب زمین پلاکاردی را نصب کردند که روی آن نوشته شده بود "پس از ۲۵ سال مردم ازاری، بادیوار کشیدن کار پاکسازی انجام نمی‌شود. این زمین باید پارک کودکان گردد". یکی از کسبه محل می‌گفت: مردم اینجا که بیشتر کارگر هستند از یک تومن تا حداکثر صد تومن پول رو بهم گذاشتند تا حدود ۶ هزار تومن جمع شد و توانستیم این پارک را به این صورت در آوریم. باید بگویم که تنها وسایل پارک تعداد نسبتاً زیادی نهال‌سبز و چند تاب و سرسره می‌باشد. این پارک هنوز خیلی ناقص دارد. زمینش اسفالت نشده و دیوار کشی نشده، آب ندارد. کتابخانه ندارد و خیلی چیزهای دیگر. مردم محل از شهرداری خواسته‌اند عوارضی را که از این محله جمع می‌کنند

زمین بایر که ۲۵ سال موجب آزار مردم شده بود تبدیل به پارک کودکان شد. پارک آزادی این روزهای بچه‌ها و نوجوانان محله نظام آباد تهران نامی آشناست. نامی که تجلی کار و روحیه انقلابی ساکنان محله نظام آباد است. این پارک که دو ماه پیش به همت و کوشش اهالی محلی برپا شده قطعه زمین بزرگی است که قبلاً متعلق به یک زمینخوار بوده و به پشتوانه نیروی انقلابی مردم تبدیل به پارک عمومی شده است. نظام آباد مانند بیشتر محلات ایران فاقد مراکز اجتماعی و تفریحی است و مردم که از سالها پیش امکانات مناسبی را برای برپا کردن چنین مراکزی می‌دادند پس از پیروزی قیام تصمیم گرفتند زمین بایر ۱۵ هزار متری را تبدیل به پارک عمومی کنند. این زمین که در واسط خیابان نظام آباد قرار دارد به وسیله مردم پاکسازی

بقیه در صفحه ۱۱

## در جامعه طبقاتی بیماری طبقات مختلف با هم فرق دارد

درمی آید. اصولاً در جامعه طبقاتی بیماری طبقات مختلف با هم فرق دارند و پیش-آگهی آنها (منظور پیش بینی آینده بیماری و بیماری از نظر و خامت یا امید به بهبود است) بستگی به شرایط زندگی و امکانات آنها مثل وضع تغذیه، محل کار و مسکن و شرایط جغرافیایی آنها دارد. مثلاً بیماریهای شغلی ربوی (مربوط به ریه‌ها) مخصوص کارگران معدن و کشاورزان است ولی صاحبان معدن و فئودالها بندرت دچار آن می‌شوند. بیماری نرمی استخوان (راشی تیسم که در اثر نتایج آفتاب به بدن بروز می‌کند) مخصوص قالب‌هاست و لسی بندرت به سراغ تاجران فرش می‌رود. بسیاری از سرطانهای پوستی و داخلی (مثل سرطان مثانه) گریبان کارگران صنایع (مثل صنایع رنگ سازی) یا کشاورزان را می‌گیرد ولی سرمایه داران و صاحبان آن کارخانه‌ها بازمینداران

بیماری طبقات مختلف با هم فرق دارد. طب طبلی بعد از ظاهر شدن در متن نظام موجود مانند گلی که در سوره زار بر روی بزودی پزمرده خواهد شد و خواهد مرد. ما معتقدیم که فقط آن راه حل‌هایی وضع طبابت را درست می‌کنند که در رابطه با تغییرات انقلابی در زیربنای اقتصادی کشورمان باشد و گرنه تا زمانی که تصمیمات قاطع و انقلابی در مورد صنایع و اراضی و بانکها... گرفته نشود، توده‌های تحت ستم همانقدر از آشفتگی کار درمان و بهداشت زجر می‌کشند که از استثمار و ستم بی حد و مرز زمینداران و کارفرمایان خود رنج کشیده‌اند. و اصولاً سرنوشت طب و طبابت جداز جریانات دیگر سرمایه داری وابسته نیست و دقیقاً تمام عوارض عواقب این وابستگی را، از وابستگی تکنولوژیکی و برنامه آموزشی دانشکده‌های پزشکی گرفته تا وابستگی کارخانه‌های داروسازی بهمراه دارد. (مثلاً داروهای تولید داخلی در کشورهای وابسته درست مثل دیگر تولیدات مونتاژ قبیل همگان از آب

خدمات پزشکی در کشور ما خواه ناخواه تابع شرایط نظام سرمایه داری وابسته است و بنابراین خواه ناخواه معیار سرمایه گذاری و منفعت طلبی در بازار درمان نیز حاکم است. و قتی که روابط سرمایه داری بر زندگی اقتصادی - اجتماعی یک جامعه حاکم باشد، که کار بهداشت و درمان آن نیز دارای مشخصات یک بازار آشفته و بی‌نظم و تریب و ذات سوداگرانه خواهد بود چرا که این در ذات نظام سرمایه داری است. مسلماً آشفتگی و منفعت طلبی در کشورهای با اقتصاد سرمایه داری وابسته به مراتب بیشتر است. بنابراین تا زمانی که صنایع مهم و اصلی ملی نشده‌اند و کارگران از قید استثمار سرمایه داران وابسته آزاد نشده‌اند، تا زمانی که اصلاحات ارضی واقعی اجرائی نشده است و دهقانان صاحب زمین نشده‌اند، سخن گفتن از طب ملی به خواب و خیالی خوش شباهت خواهد داشت و مسلماً این

# مرگ بر امپریالیسم جهانی بسرکردگی امریکا و وابستگانش

بقیه در صفحه ۱۱